



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه (۴) اسفندماه ۱۳۴۷

فهرست مطالب :

۳- تصویب صورت جلسه .

۴- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور.
 ۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 ۲- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور.

مجلس در ساعت نه صبح برپاست آقای دکتر حسین خطیبی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

۲- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور .

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

مهندس معتمدی - کریم بخش سعیدی - ربکی - نهرانی - اهری - فخر طباطبائی - صادق سمعی - مهرزاد - دکتر وحیدنیا - دکتر ستوده - اخلاقی - دکتر خیراندیش - یابنده - پرویزی - دکتر خطیبی - مهندس عطائی - مرندی - مهندس معینی - دکتر یگانگی - دکتر معظمی - مهندس ناصر بهبودی .

غائب بی اجازه آقای :

شاهنده .

غائبین مریض - آقایان :

فیاض - سلیمانی کاشانی - سعید وزیری - مهندس ازدلان - بختیار بختیاربها - دکتر ضیائی .

نایب رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور مطرح است آقای جوانشیر بفرمائید .
 جوانشیر - آقای رئیس ، همکاران محترم ، دبروز توفیق خدمت دست نداد که بتوانم در وقت معین که در حدود یکساعت برای بنده از طرف فراکسیون پارلمانی تعیین شده بود انجام خدمت کنم امروز من و سایر همکاران عزیز به بحث درباره بودجه اعم از مخالف و موافق میپردازیم در همین مدت کوتاه یک ربع بیست دقیقه ای که دبروز بنده مقدمه کوتاهی راجع بر روز فرخنده سوم اسفند و بعد اشاره کوتاهی به مسئله بررسی بودجه از لحاظ يك دوره را کد بادر نظر گرفتن بعد تاریخی که غرض بنده این بود که هیچگاه نمیتوان يك دوره را کد و ساکن تاریخی را بدون آنکه در کنارش بعد تاریخ و تحولات تاریخ را بررسی کنیم بجائی برسیم یعنی گمراه کننده و بعضی

اوقات اغوا کننده است این موضوع تنها درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی صادق نیست بلکه اصولاً تمام بررسی پدیده‌های اجتماعی بهمین صورت انجام میگیرد و این فرمول و این قاعده که در مسائل اجتماعی و علوم اجتماعی راه یافته مقدمتاً در زیست‌شناسی در بیولوژی مورد توجه علماء فن بوده و جامعه‌شناسان و علمای علم الاجتماع از این قاعده برای رسیدن بحقایق از مسائل اجتماعی استفاده کرده‌اند اشاره دیروز در مورد يك چنین بررسی یعنی در گذار يك مقطع راكد و ساكن زمان بعد تاریخی را در نظر گرفتن بخاطر این بود بخاطر اینستکه مادر تحولات اجتماعی بدنبال معجزه نگردیم و این قاعده در مسائل اجتماعی بدانجهت وارد شده که اصولاً قوانین اجتماع بیرونی از قوانین طبیعت میگذرد جامعه خود جزئی از طبیعت است چون طبیعت خود دارای قوانین خاصی است و دارای قوانین ازلی و ابدی نیست و جامعه هم خود جزئی از طبیعت است ناچار بیرونی از قوانین طبیعت میگذرد بهمین دلیل است که متفکران دانشمندان آنها که در تاریخ انقلابات و تحولات جهانی تخصص دارند انقلاب را میگویند از دو عنصر و دو جزء تشکیل میشود هر انقلابی در جهان بخصوص انقلابهای اجتماعی و تاریخی این تجزیه مسئله انقلاب بدو جزء برای رسیدن به حقایق است که ناشی از قانون تکامل اجتماعی است چرا که جزء اول هر انقلاب مربوط به زیربنای روابط تولیدی و روابط اجتماعی است و این آن چیزی است که در فرهنگ سیاسی ملل به پندارها یا مکتب یا فرضیه اجتماعی تعبیر میشود ولیکن فردای انقلاب مسئله طور دیگر است با انقلاب اجتماعی و تغییر روابط زیربنائی و روابط مردم و عوض کردن روابط و شکل حقوقی تولید انقلاب اجتماعی دست میدهد ولی برای رسیدن به هدفهای انقلاب اجتماعی مسئله دوم تکنیک و فن است این تکنیک و فن در تمام انقلابهای جهان مشابه است یعنی همانرا اینکه این انقلاب انقلاب جهان سرمایه‌داری باشد یا از اینک این انقلاب جهان غیر سرمایه‌داری باشد باطنش عنصر تکنیک مشابه است آنچه که فرق میکند فرضیه‌های اجتماعی پندارهای اجتماعی و مکتب اجتماعی است و آنچه را که با اصطلاح دکتر بن انقلاب تعبیر میشود

ولی در عنصر تکنیک تمام انقلابها از نظر علمی یکی است یعنی فردای انقلاب بعد از رسیدن با آنچه که آرمانهای انقلابی از نظر فلسفه و پندار و دکتزین ولی آنرا همیکه باید این فرضیه‌ها را در این راهها بشمر برساند تکنیکهای اقتصادی است و اقتصاد هم از قانون پیروی میکند اینجا است که ما نه ما علمای جامعه‌شناس معتقدند در بعد از انقلاب در مؤسساتیکه باید بصورت تکنیک و فن هدفهای انقلابی را بشمر برسانند جادوگری چشم بندی معجزه راه‌نار (دکتر اسفندیاری - کسی چنین انتظاری نداشته) یعنی ما اگر در انقلاب اجتماعی مانند مردم بیهوشه مانند کودکان با مغزهای نابالغ که همیشه انتظار معجزه دارند (مهندس ناصر بهبودی - پس خودتان انتظار دارید) ما تابع قانون تکامل هستیم چون بعلم و تکامل اعتقاد داریم اینست که میدانیم نمیتوان هیچگاه با معجزه این زمان بجلو رفت و قانون تکامل است که میتوان با آن بهشت برین ساخت (احسن) بدینجهت بود که با اشاره کوتاه و مختصری که بنده دیروز کردم یکی از دوستان عزیز بنده که از اساتید دانشگاه است با بنده ملاقات مختصری دیروز در حزب کردم و گفت بخصوص تشریح این مسائل از نظر نسل جوان بسیار بسیار لازم است گفت اگر شما يك مقطع و يك دوره را كد و معین را بگیرد و بعنوان انتقاد رویش بگوید نسل جوان که بیست سال سه سال پیش را بیاد نمیآورد و دنیای باین کوچکی که از طریق رادیو و ارتباطات و نشریات بهم نزدیک شده است جوانهای ما که کنجینه‌های احساس و ثروت ملی ما هستند واقفاً فکر میکنند که شاید ما در پیشرفت نگاه کرده‌ایم ولی اگر شما جنبه تجزیه و تحلیل انتقاد را در کنار بعد تاریخ خودش گذاشتید آنوقت يك جوان بیست ساله يك جوان ۲۵ ساله خواهد گفت که در سال ۱۳۲۵ که من بشهر کسرمانشاهان رفتم در جائیکه بزرگترین صنایع سنگین مملکت یعنی نفت استقرار داشت آنشهر برای من مثل دهات بود (مهندس ناصر بهبودی - در سال ۱۳۲۵ شاهد متینکهای خیابانی بودیم) (معزی - آقای جوانشیر ببخشید بچه‌ها خلق الساعه میخوانند هیچوقت معتقد بزمان نیستند) آلهی شکر که يك مکتب

الهام بخش و يك دکتزین مقدس که با هیچ الگوئی انطباق ندارد يك مکتب يك فرضیه اجتماعی که معلوم و منبعت از فرهنگ و موازین علمی و تاریخی ملت ایران است چنان استقراریافت که دیگر جایی برای ترك نازی و کارهای حیوانی فراهم نیست (احسن) دیگر آن سنگرهايیکه بدان میبازیدند انقلاب اجتماعی ایران اشغال کرد روزگاری موفیکه حکومت طبقات ممتاز در این مملکت در کار بود روزگاری که سطه‌های محلی هر م اجتماعی این مملکت قدرت سیاسی را از طریق قدرتهای فتوالی اشغال کرده بودند البته در چنین روزگاری پایگاههای استعمار خارجی برای حفظ منافع يك طبقه محدود باسانی وجود داشت ولی امروز که انقلاب ایران این سنگرها را درهم کوبید امروز که انقلاب ایران این سنگرها را بدست طبقه زحمت کش و دهقان و روشنفکران وطن پرست واگذار کرد امروز که انقلاب ایران ندای آزادی و تساوی را در داد (ناصر بهبودی - شاهنشاه آریامهر این کارها را کردند) این انقلاب متعلق به شاهنشاه است آقای ناصر خان بهبودی و کیل ساوه (خنده نمابندگان) دیده‌ای خواهم که باشد شه‌شناس، تاشناسد شاه را در هر لباس (احسن) اگر آن دیده را داشته باشیم در هر قدم افکار و اندیشه و نیات پادشاه را میبینیم و آنوقت مکتب شناس هستبد (ناصر بهبودی - ما که خیلی وقت است مکتب شناس هستیم آقای جوانشیر شما خوب میدانید) در هر صورت بنده خواستم که اشاره‌ای باهویت و عظمت يك بررسی بودجه کرده باشم و اصولاً در کلامه موافق و مخالف مسئله مطلق بودن مفهومی ندارد اصولاً مطلق در زبان علمی بدان صورت خاص خودش وجود ندارد اگر مطلق باشد خدای متعال مطلق است و الا در منطق علم مسائل را باید بصورت نسبی بررسی کرد اگر ما میگوییم مخالفیم دلیل این نیست که چشم روی هم بگذاریم و تمام آثار عظیم و شگرفی که در يك مدت کوتاه بدست يك رهبر بزرگی که ما به اعجاب جهان بوده است انجام شده ندیده بگیریم من اگر مثال کرمانشاه را زدم برای این بود که در سال ۱۳۲۵ که رفتم ده بود ولی حالا (دکتر فربور - ده بزرگی شده) ده بزرگی شده؟ بله شاید در قاموس شما بعد از ۱۵ سال بایست سال

یا بعد از ششم بهمن در حدود ده سال باید تمام دهات و روستاها تبدیل بشهرهای بزرگی کرد در هر حال از نظر قانون تکامل این معجزه است و علم هم معجزه را رد کرده اما امروز در تمام شهرهای کوچک تمام شهرهای حاشیه دریای مازندران راهها، البته تمام راهها را نمیگویم بنده اعتقاد دارم در اینجا باید بگویم برای اینکه ما دارای يك اقتصاد بیوسسته منسجم باشیم برای اینکه دارای يك اقتصاد به مفهوم صحیح كلمه يك اقتصاد بیوسسته و سازنده باشیم باید يك زیربنای صدهزار کیلومتری راه داشته باشیم این شکی درش نیست ولیکن با در نظر گرفتن منابع محدود، آرزوهای لایتنامی یکی از مشکلات کشورهای در حال انقلاب، مسئله انقلاب دیگری است که در آرزوهای مردم پیدا شده در گذار انقلاب اجتماعی انقلاب در آرزوها نیز پیدا شده که البته خیلی خوب است (صحیح است) ملتی که انقلاب در آرزویش بوجود نیاید ملتی که راز پیشرفت و رمز پیشرفت را درك نکند ملتی که اعتقاد به پیشرفت و ترقی نداشته باشد اگر بر سزاو بجای باران دلار و لیره و طلا بیازد ملتی است متوقف، ملتی است متحجر، راز پیشرفت کشورهایی که ما بدانها کشورهای پیشرفته اطلاق میکنیم در چیست؟ اینجاست نمایندگان محترم مجلس، اینجاست که دوستان محترم اقلیت من که همه‌شان احترام و عزت دارم اینجاست که باید انگشت بگذارند روی اینجامطلب مهم برای نسل جوان: آقا اروپا اروپا نشد مگر با چهار صد سال مقدمه قبلی که از دوره رنسانس شروع کرد که آن دوره رنسانس و تجدید حیات و گرایش به عقل و علم و دانش و توجه به شخصیت علمی انسان و پاره کردن پندارهای تاریك قرون وسطائی و از میان برداشتن پندارهای کهن سکولاستیک آزاد کردن علم در راه تولید بود عوض کردن زیربنایهای اجتماعی و تولیدی در قرن نوزدهم يك نمره‌ای دارد بنام انقلاب صنعتی ما آمدیم در يك دوره کوتاه ۱۸ ساله که واقفاً خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود دولتی که ما را از تاریکی‌های قرون وسطائی خارج کرد البته توجه دارید که دولت زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر را عرض میکنم این دولت ما را از تاریکی‌های قرون وسطائی به روشنیاتی هدایت کرد (صحیح است) ملتی که هیچ چیز نداشت، این ملت البته همه چیز داشت، ولی

در عین حال هیچ چیز نداشت چون کجنگنه‌های فراوان داشت ثروت‌های مادی و معنوی فراوان داشت بک وجدان بیدار داشت بک تاریخ روشن داشت ولی متأسفانه در اثر بک نظام کهنه و فرسوده اجتماعی از قافله تمدن به تمام معنی عقب افتاده بود این دری که بزوشنی باز شد متأسفانه با جنگ دوم جهانی بسته شد پس بنابراین برای ماعملا دوره‌ای که شروع به این جهت و فعالیت‌ها و اقدامات انقلابی شده در حقیقت مبداء همان تاریخ ششم بهمن است (صحیح است) با توجه به اینکه زیر بنای اینکار در آن دوره کوتاه به نحو اتم و اکمل تا آنجا که مقدر بود توسط آن راد مرد بزرگ تهیه و تأمین شد (صحیح است) من معذرت می‌خواهم از اینکه بک کمی آب میخورم چون بگو روز است کسالت دارم و حالا با حال تب صحبت می‌کنم بنابراین بنده این مقدمه کوتاه را عرض کردم که دوستان و همکاران عزیز من که در مجلس به عنوان موافق و مخالف صحبت میکنند بدین نکته آگاهی داشته باشند که موافق و مخالف مطلق وجود ندارد ای بسا که مخالف خیلی از پیشرفت‌ها و ترتیبات و واقفیت‌هایی که اتفاق افتاده بیان کند و ای بسا موافقی که در ضمن موافقتش ابراهانی که بنظرش میرسد بیان کند (آفرین) من تسلیم خودم در دستگاه اداری بارها باین عقیده بودم که انقلاب بدون تقوای اداری و بدون تقوای اجتماعی میسر نیست (صحیح است) اصولاً باید رسیدن انقلاب به هدفهای انقلاب و برای رسیدن به هدفهای انقلابی پیش از هر چیز بک تقوای روحی و معنوی لازم است (صحیح است) بنده که بعنوان موافق و بعنوان بک عضو عادی حزب، نمی‌گویم عضو فعال، شاید نباشم و خودم برای خودم داعیه طلبی بکنم معتمد باید در انتصابات حتماً ضابطه تقوای اخلاقی و اجتماعی رعایت بشود و بیشتر رعایت بشود (دکتر اسفندیاری - این تزان را پیاده بکنید) (مهندس ارفع - پیاده شده) پیاده شده این مقدمه کوتاه عرض شد برای اینکه به اصل مطلب بپردازم و آن اظهار نظری چند درباره بودجه است و چون بررسی بودجه معمولاً بررسی موارد فنی است و مسائل فنی اصولاً آن حالت و جاذبه بحث‌های اجتماعی را کمتر دارد با اجازه همکاران محترم

مطالبی را که در این باره تهیه کرده‌ام از روز قرائت می‌کنم و هر جا که لازم بود توضیح میدهم و انتظار دارم همانطور که در مقدمه بیاناتم حوصله بخرج دادید و عنایت فرمودید باین قسمت هم عنایت بفرمائید.

از تاریخی که دولت حزبی اقدام به تنظیم بودجه برنامه‌های کرده است همانطور که نمایندگان محترم خود شاهد بوده‌اند هر ساله بودجه تقدیمی نسبت به سال گذشته بهتر و کامل‌تر شده است (صحیح است) بودجه‌های قبل از دوره انقلاب چیزی جز مقداری مواد هزینه دستگاهها و وزارتخانه‌ها نبود بدون اینکه معلوم باشد که این هزینه‌ها برای تأمین چه نظریات و مقاصد پیش بینی شده و بمصرف میرسد (صحیح است)

در صورتیکه الزاماً باید بین عملیات عمرانی و عملیات عمومی دولت هم آهنگی وجود داشته باشد و هر دو بک هدف داشته باشند زیرا هدف اصلی همان هدف برنامه عمرانی است که هیچگاه نباید بک لحظه از نظر هادور بماند (صحیح است) هیچوقت در طول تاریخ مشروطیت ایران و تا زمان قبل از انقلاب سابقه نداشت که حجم فعالیت‌های دولت در طی یکسال مالی به استحضار نمایندگان برسد و حال آنکه این دولت حزب اکثریت است که با کمال حسن نیت و عقیدتیکه در زمینه تهیل نظارت نمایندگان برای دخل و خرج مملکت دارنده تنها بودجه عمرانی و جاری را بوجه بودجه تقدیم نمایندگان کرده بلکه بودجه کلیه هزینه‌های دستگاه‌های وابسته بدولت را نیز تقدیم نموده است (صحیح است) تا مورد مطالعه نمایندگان قرار گرفته و بتوانند دولت را در زمینه کوشش‌هاییکه بر عهده دارد راهنمایی نمایند.

هدف اجرای این بودجه در قالب ارقام بطور وضوح مشخص است اگر پنج بخشی را که در این بودجه به تفکیک تنظیم شده مطالعه فرمائید ملاحظه خواهید کرد که در هر بک از بخش‌ها چه خدماتی در نظر است در طی یکسال ۴۸ انجام شود آقای پزشکپور درباره اینکه بودجه سمت و هدف ندارد نظراتی ابراز داشتند ولی اولاً نفرمودند منظور ایشان از اینکه بودجه هدف ندارد چیست؟ پزشکپور

عرض کردم تشریف نداشتید) ثانیاً مگر غیر از اینست که اجرای این بودجه یعنی انجام قسمتی از فعالیت‌های پیش بینی شده در برنامه چهارم؟ مگر غیر از اینست که هدف و مقاصد برنامه چهارم به تفصیل یکمرتبه در موقع طرح برنامه در مجلس به تصویب نمایندگان محترم رسیده است؟ هدف این بودجه اجرای قسمتی از همان هدفها و مقاصدی است که در هر بک از قسمت‌های برنامه عمرانی کشور به شرح مندرج در برنامه چهارم باید صورت گیرد.

افزایش تولیدات صنعتی - کشاورزی - رفاه اجتماعی و ارتباطات - آموزش و پرورش و سایر هدفها به نحوی که رشد اقتصادی کشور در آخر برنامه چهارم با صرف ۸۱۰ میلیارد ریال مخارج افزایش لازم پیدا کرده و موجبات رفاه بیشتری برای مردم فراهم شود.

بنابراین نه تنها بودجه تقدیمی دولت بر اساس برنامه تهیه شده بلکه در حقیقت بر اساس عملیات اجرایی نیز هست یعنی کلیه وظایف و فعالیت‌هایی که دولت در طی سال ۴۸ انجام میدهد ارزش‌هایی گردیده و بر اساس هدف‌هاییست که در برنامه چهارم پیش بینی شده است (صحیح است) در اینجا جناب پزشکپور صحبت از برنامه عمران روستائی کرده‌اند و خود این دلیل بر هدف داشتن بودجه و یکی از اهداف بودجه است.

دولت حزب اکثریت اولین دولتی است که عمران روستائی را در برنامه خود پیش بینی کرده در طی برنامه چهارم جمعاً ۹۱۰ میلیون ریال برای این منظور تأمین شده حتی در برنامه چهارم پیش بینی شده که از رقم اعتبارات عمران روستاها خرج هیچ برنامه دیگری نباید بشود و تازه چنانچه اعتباراتی که در برنامه چهارم برای راهسازی بهداشت و فرهنگ روستائی پیش بینی شده است به این مبلغ اضافه کنیم برقم ۱۳ میلیارد ریال خواهیم رسید و تردیدی نیست که با صرف این مبلغ در آخر برنامه چهارم سیمای روستاهای ایران دگرگون خواهد گردید. توجه دولت به این مسائل و نحوه تنظیم بودجه برای نیل به هدفهای مقدس انقلاب بهترین دلیل است بر اینکه حزب ایران نوین وظیفه خود را در پاسداری از انقلاب تا چه حد انجام داده است.

اگر جناب آقای پزشکپور بجزوه عملکرد دولت در سال ۴۷ که ضمیمه لایحه بودجه تقدیم گردیده و در آن خدمات دولت در طی یکسال گذشته بتفصیل بیان شده است عنایت میفرمودند ملاحظه میکردند که این دولت تا چه حد برای اجرای نیات رهبر انقلاب و ملت ایران کوشش کرده است (صحیح است) تا توانسته است ۱۲٪ رشد اقتصادی که مورد تحسین محافل خیر اقتصادیست نائل گردد (صحیح است) در اینجا نکته جالبیکه باید عرض کنم این است که در کشورهایی نظیر آرژانتین و برزیل برای رسیدن بیک رشدی خیلی پائین‌تر از این ۲۴ درصد ترقی قیمت داشته‌اند و تازه خوشحال بودند ولیکن این ۱۲ درصد رشد با بک و نیم درصد ترقی تر خها توأم بوده و این در حقیقت بک نوع (یک نفر از نمایندگان - شاهکار)

آفرین بک نوع شاهکار است (دکتر اسفندیاری - شاید هم معجزه) (دکتر الموتی - نتیجه بک اقتصاد سالم) بدهی است هر چه دستگاه‌های اداری مادر انجام وظایفیکه بر عهده دارند فعالتر و علاقمندتر باشند نیل به هدفهای برنامه‌های مملکتی سریعتر انجام خواهد گردید. اجرای سیاست انقلاب اداری یکی از طرق میباشد.

باید توجه داشت در مسائل اقتصادی سروکار دستگاهها و سازمانها برای اجرای بهتر وظایف با افراد و انسانهاست و قبول بفرمائید که انسانها در ظرف یک‌بادو یا پنج سال قابل تغییر نیستند و از طریق روش‌های مختلف اداری و آموزشی لازم است که باید کارآئی دستگاهها افزایش یابد و این یکی از اصول انقلاب اداری است.

اینکه اشاره شد چرا فقط در سال ۴۸ برای اجرای انقلاب اداری بودجه پیش بینی شده و در سال ۴۷ بودجه‌ای تهیه نگردید باید عرض شود که این وظیفه را سازمان امور اداری تحت نظارت شورای عالی انقلاب اداری انجام میداد و اینکه در بودجه امسال عنوان خاصی برای این کار در نظر گرفته شده بهترین دلیل علاقه دولت به تسریع در انجام این امر است و با توجه به تهیه مقدماتی بود که در طی سال ۴۷ با مطالعه کارشناسان و تشکیل کنگره انقلاب اداری صورت گرفت.

نکته دیگری که در اینجا گفته شد این بود که دولت حزب ایران نوین اولین دولتی است که سازمانها و مؤسسات وابسته بدولت را بوجود آورده و آنها را از اجرای مقررات عمومی معاف داشته است من نمیدانم این استنباط برای ایشان از کجا پیدا شده است آیا سازمان دخیانیت ایران یا جای یاراه آهن یا غله بافند و شکر و یا شیلات و دهه مؤسسات نظیر آن که جزء مؤسسات انتفاعی وابسته بدولت هستند در زمان دولت حاضر بوجود آمده اند یا اینکه ایشان اطلاع ندارند که این دستگاهها سالهاست بوجود آمده و منشاء خدمات عدیده اقتصادی میباشند.

بنده نمیدانم که ناطق محترم اصولاً قبول دارند که پاره‌ای از خدمات وجود دارد که باید دولت انجام آنرا به حمایت اقتصادی و اجتماعی و یا حمایت مصرف کننده و یا حتی بعنوان راهنما بعهده بگیرد، اگر این فلسفه را قبول دارند و تصور نمیکنم جای انکار برای ایشان باشد باید دید این مؤسسات به چه طریق اداره بشوند تا بتوانند وظایف خود را انجام دهند اگر قرار بود این قبیل سازمانها تابع همان مقررات عمومی باشند که اصولاً بوجود نمیآمدند بنابراین ضوابط دیگری بر آنها پیش بینی شده است از قبیل مقرراتی که ناظر بر شرکتها و بازرگانی است.

آیا میشود در موقعی که يك مؤسسه‌ای بصورت بازرگانی اداره میشود در عین حال هم تابع مقررات عمومی کشور باشد و به ازای مجمع عمومی و هیئت مدیره دستگاههای دیگری در کار او نظارت بکنند؟ این چه نوع طرز پیدا کردن راه حل برای این دستگاههاست تازه این مؤسسات از نظاماتی پیروی میکنند که در قانون استخدام کشوری ذکر گردیده است یعنی کلیه آنها باید تشکیلات خود را به تصویب این سازمان برسانند و آئین نامه‌های استخدامی و مالی این قبیل مؤسسات وابسته بدولت باید به تصویب کمیسیونهای مجلسین برسد و علاوه بر همه اینها باز این دولت حزبی است که برای نخستین بار کلیه فعالیتهای این قبیل سازمانها را به تفصیل و با ذکر بیلان و ترازنامه آنها برای رسیدگی تقدیم نمایند کان محترم کرده است هر يك از این دستگاهها اگر به نظر جناب عالی قابل ایراد

هستند آن دستگاه را بفرمائید دولت را ارشاد و راهنمایی بکنید تا نسبت به اصلاح آن اقدام گردد و الا بطور کلی و درست سخن گفتن مشکلی را حل نخواهد کرد.

(در ساعت ۹ و ۳۵ دقیقه صبح آقای عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی اداره آموزش جلسه را بعهده گرفتند) خود من با مطالعه جدول مربوط به مؤسسات بازرگانی وابسته بدولت متوجه این نکته شدم که کثیر کت واحد انو بوسرانی در این قسمت داخل مؤسسات بازرگانی شده است و حال اینکه اگر روزی به علت نبودن انجمن شهروزارت کشور به قائم مقامی انجمن نظارتی در این امر داشته است امروز که انجمن شهر تشکیل شده است چون نظارت دیگر لزومی ندارد خصوصاً که بودجه های انجمن شهر در بودجه کل کشور نیامده و بهمین جهت موقع بحث تبصره ها پیشنهاد خواهم کرد که این قسمت حذف گردد (آفرین) بنا بر این بطوریکه نمایندگان محترم در بودجه تقدیمی دقت فرموده اند یکی از مشخصات قابل توجه بودجه که توسط دولت حزبی بوجه احسن انجام یافته موضوع جامعیت بودجه میباشد زیرا کلیه فعالیت های دولت در این بودجه منعکس میباشد، بطوری که میدانیم در گذشته اینطور و بدین راه و رسم بودجه کشور تهیه نمیشد. فقط بودجه دولت بصوب میر رسید بودجه بسیاری از دستگاهها تکیه دارای درآمد اختصاصی بودند و با واحدهای تابع دولت اداره میشدند بصوب میر رسید و در نتیجه حجم عملیات دولت مشخص نبود.

نکته‌ای را که میخواستم از فرصت استفاده کرده و بدولت تذکر دهم اگر چه فکر میکنم دولت خود متوجه این نکته هست و آن عبارت از نظارت در اجرای بودجه میباشد دیگر مانند گذشته‌ها وقتی بودجه وزارتخانه‌ای تصویب شد نباید با انجام یا عدم انجام کارهای این وزارتخانه کاری نداشته باشیم و لاش کنیم نه وزارتخانه‌ها باید قطعاً برای هر يك از فعالیت‌هایی که مشخص شده و بودجه‌ای که برای آن در نظر گرفته شده، گزارش‌های مرتبی تهیه کنند و دستگاههای دولتی هم به اجرای این فعالیتها نظارت داشته باشند. گزارشها را باید از چند نظر رسیدگی کرد، یکی بمنظور اینکه

به بینیم واقعاً مسئولیتی که بعهده يك دستگاه واگذار شده، صحیح انجام گرفته یا خیر؟ یکی دیگر اینکه اگر مسئولیت صحیح انجام نیافته معایب دستگاه را از روی نظارتها و گزارشها دریابیم و در صدر رفعش برآئیم.

علاوه بر اینها برای تنظیم بودجه سال آینده ملاکی در دست داشته باشیم که بدانیم قدرت اجرایی هر دستگاه چه اندازه است و اگر فعالیت‌هایی با طرح‌هایی را پیشنهاد می‌کنند قادر به اجرا هستند یا نیستند. بنابراین بنده تصور می‌کنم با تنظیم چنین بودجه‌ای باید حتماً نظارت و مراقبت شدیدی در کار وزارتخانه‌ها باشد. باین ترتیب ملاحظه میفرمائید که ارتباط بسیار نزدیکی بین بودجه و برنامه وجود دارد یعنی بعضی صحیح کلمه بودجه وسیله ایست برای اجرای برنامه.

دیگر از خصوصیات بودجه تقدیمی دولت که از شهر بومر ۱۳۲۰ با بنظر هیچگاه توفیق تحصیل آن بدست نیامد موضوع تعادل بودجه است نکته‌ای را میخواستم در اینجا تذکر دهم و گوشزد بکنم و آن این است که اگر چه تعادل بودجه بسیار جالب توجه و بلکه شاهکار دولت است اما هر آینه بفرض اینکه بودجه تعادل هم نداشت دیگر دوره عقاید کهنه کلاسیک‌ها که حتماً باید دو رقم در کنار هم موازنه داشته باشد سیری شده بودجه‌ها دیگر يك ساله نیست حتی مربوط به دوره‌های ۱۰ ساله و ۱۵ ساله میشود که تعادل را در جریان سیال زمان بررسی کند نه در يك دوره کوتاه، ولی حال چه بهتر از این که این بودجه این نکته جامعه‌شناسی و روانشناسی را مورد توجه قرار داده سعی کرده این امر را هم که اگر هر آینه نبود چیز مهمی نبود بآن جامعه عمل بیوشاند. البته باید در نظر داشت تعادل بودجه رادر نیمه دوم قرن بیستم نباید بصورت انتزاعی و مستقل خود که در قرن ۱۸ و ۱۹ مورد توجه بود بررسی کرد زیرا تعادل بودجه تنها تعادل و تناسب در رقم هزینه و درآمد نیست زیرا دولت‌ها توانسته‌اند بصورت‌های مختلف و حذف مخارج ضروری و تعلیق تعهدات خود بصورتی بودجه را متعادل نشان دهند ولی در این صورت خیلی از هدفها و

ضرورت‌های اجتماعی در بونه فراموشی میماند و با برخی دولت‌ها با انتشار غیر معقول آسکناس و قرضه خارجی و وام‌های اجباری بودجه خود را متعادل ساخته‌اند و آثار تومری آنرا بیجان خریدند. ولی موقعی میتوان گفت که يك بودجه متعادل است که ترکیب ارقام بودجه ناظر بآینده باشد یعنی آینده‌ای که تعادل اقتصادی-سیاسی-اجتماعی را منعکس سازد.

اینکه بنده دیروز عرض کردم که بودجه گذشته از این که باید صفت گذشته نمائی داشته باشد باید صفت آینده‌نمائی هم داشته باشد چون این دو صفت لازم و ملزوم یکدیگر است گذشته‌نمائی از لحاظ درک و لمس درجه ترقی و تکامل و واقعیات ترقی که حاصل شده و آینده‌نمائی بدین منظور که هدفهای ما چیست و تعادلهائی که در زمینه سیاست و اقتصاد و اجتماع بدست میآوریم کدام است.

بنابراین اگر بودجه بصورت برنامه‌ای میگیرد برای این است که بودجه بصورت افزار و اسبابی برای توسعه و رشد اقتصادی بکار رود بنابراین بودجه متعادل تنها يك رابطه متناسب ریاضی بین اقلام نیست بلکه باید بصورت آینده‌نمائی بطوریکه در بیانات قبلی مختصر در روز عرض رساندم بکار رود یعنی در روابط اقلام ما بتوانیم به تعادلی که در جامعه ایجاد میشود پی ببریم بطوریکه بروشنی از بودجه برنامه‌ای دولت میتوان ضمن تشخیص هدفهای مترقیانه اجتماعی و اقتصادی تناسب و تعادل را در رشته‌های مختلف اقتصادی و سیاسی - اجتماعی تشخیص داد. اگر جناب آقای نخست‌وزیر اگر جناب آقای امیرعباس‌هویدا نخست‌وزیر عزیز حزبی ما میگویند قرن‌ها کشور ما حالت سکون و رکود را بر خود گذرانده است شاید نخواسته‌اند بدلیل مناعت طبع و ذوق سلیم بگویند که کشور گرامی ما و ملت عزیز و بزرگوار ما که محق همه گونه عزت و والامقامی است اسیر طلسم شوم فقر بوده است من خیال میکنم این بودجه و آن برنامه بشارت در هم شکستن طلسمی است که دنیا را بدو کرده متخاصم فقیر و غنی دارا و نادر تقسیم کرده است این بود نظر بنده راجع به بودجه دولت‌ها منظور که عرض کردم چون اصولاً مسائلی که

دارای جنبه‌های فنی است آن حالت جاذبه مسائل اجتماعی و سیاسی را که میشود در افزایش بحث‌های جالب و جاذب کرد ندارد آن قسمت را از روفرائت کردم اما مطالب دیگری که در کار بسته باقی است که باید بعرض برسانم این است که دوست عزیز بنده جناب آقای یز بشکپور در ضمن بیانات خودشان فرمودند که نقش حزب در بودجه چیست؟ نقش حزب در بودجه همان است که در برنامه چهارم عمرانی و سایر سیاست‌های مالی دولت که همه جا اعلام میکنند متعکس است و این سیاست چیست؟ در درجه اول صنعتی کردن کشور (صحیح است) چرا دولت حزبی ما و چرا حزب ایران نوین این همه به صنعتی کردن کشور اهمیت میدهد ما در علوم سیاسی و در فلسفه سیاسی ملت‌ها بمسائل خاصی بر میخوریم، از جمله مباحث و منابع قدرت ملت، در تعریف منابع قدرت ملت علمای سیاسی اصولی را طرح میکنند یکی سرزمین جغرافیایی یکی حجم و اندازه جمعیت یکی کار آئی سازمانهای سیاسی و اداری ولی قبل از همه قدرت تکنولوژی و سطح تولیدات ملی است یعنی اگر کشوری واجد تمام این خصوصیات باشد ولی صنعتی نباشد از نظر ملی دارای قدرت ملی نیست ما وقتی میگوئیم فلاں کشور آفریقای با یک میلیون کیلومتر مربع ضعیف تر است از فلاں کشور کوچک اروپایی که ۲۴ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد این علتش چیست؟ این مربوط به اعتلای سطح تولیدات آن کشور است مربوط به آن عظمت و تنوع کالاهای صنعتی آن کشور است که توانسته است آن کشور را در ردیف کشورهای قدرتمند و نیرومند جهان معرفی کند (دکتر صدر - اینها چه ارتباطی به موضوع دارد؟) (دکتر اسفندیاری - فلسفه میگویند) حزب ایران نوین برای اینکه عاشق نیرومندی کشور است حزب ایران نوین برای اینکه کشور محبوب و عزیز ایران را ملتی را که بر گنجینه‌ای از دانش بشری نشسته است به بیند که در زمره مملکت کشورهای عقب افتاده قرار بگیرد رنج میبرد پس باید بآنی مفتاح و کلیدی که رمز خوب زیستن کشورها است و آن صنعتی کردن کشور است توجه کرد آقای محترم (احسن) (دکتر صدر - پیش از آنکه شاهنشاه ایجاد صنایع ذوب آهن را دستور اقدام فرمودند

چرا اقدامی نمیکردید؟) یکی دیگر مسئله ترقی تولیدات کشاورزی است که ما باید برای در نظر گرفتن دو نیم در صدر شد جمعیت در آینده غذای کافی و مفکی تهیه کنیم و همینطور سطح غذای مردم را بالا ببریم و از طرفی برای صنایع نو بنیاد خودمان مواد و مصالح داخلی تهیه کنیم و این از طریق شرکت‌های زراعی و شرکت‌های تعاونی انجام خواهد شد دیگر متنوع ساختن تولیدات کالای داخلی و یک کلام هدف حزب و دولت حزبی فرار از مدار عمل باشد فقر آور است ما باید همانطور که جناب آقای نخست وزیر فرمودند نه تنها این طلسم را بشکنیم از آن مداری که رشد فقر آور در زمینه های اجتماعی در بعضی از کشورها هست فرار کنیم و این همان هواپیمائی است که از زمین کنده شده دارد بسوی هدف میرود و باید شتاب و سرعت لازم را به آن داد مطلب دیگری که جناب یز بشکپور اشاره فرمودند این بود که آیا ایده تلوژی حزب ایران نوین چیست؟ بنده قبل از اینکه آنچه را که در این مورد نوشته‌ام و از نظر اهمیت موضوع اینجا میخوانم بخوانم باید عرض کنم اگر غرض از ایده تلوژی آن افکار و اندیشه های انتزاعی قرن ۱۹ و آنچه را که بقول فلاسفه اگر چه یکی از دوستان از شنیدن فلسفه خوشش نمیآید با تفکار و نظریات مجرد و مثالی است، آن نیست اما اگر مقصود افکار و اندیشه‌ها و قضایا و احکامی است در باره پدیده‌ها و بویژه پدیده‌های اجتماعی که مربوط به زندگی کردن مردم ایران میشود چنین ایده تلوژی هست (دکتر صدر - اسمش چی است؟) صبر کنید آقایان باید حوصله داشته باشد میخوانم.

درک درست تعالیم خردمندانه شاهنشاه آریا مهر در ارتباط با الزامات پیشرفت تاریخی زیر بنای شناخت ایده تلوژی حزب ایران نوین را تشکیل میدهد، کوشش حزب در دوران حیات خود مصروف بر آن بوده است که وجوه مختلف سیاسی، فلسفی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی انقلاب را بررسی و مطالعه کند و بر مبنای آن سیاست عمومی خود را پی ریزی نماید از آنجا که مضمون و محتوی انقلاب ششم هم از بین بردن عقب ماندگی‌های اقتصادی و حفظ مصالح ملی و استقرار سیاست مستقل ملی و مبارزه با انواع افکار ارتجاعی میباشد دارای وجه و مضمون ملی و

ناسیو نالیستی است و از آنجا که محتوی و مضمون مذکور فارغ از تعصبات و خودخواهیها و یک شوینسیم بوده و برای زندگی مردم چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ اقتصادی شیوه‌های دموکراتیک را برگزیده و طرفدار همکاریهای بین المللی و استقرار صلح پایدار و محکوم کردن سیاست های تجاوز و منکوب کردن پایه‌های استثمار در روابط تولیدی میباشد و واحد شکل دموکراتیک میباشد عبارت دیگر مفهوم ایدئولوژی حزب ایران نوین در ناسیو نالیسم دموکراتیک تجلی مینماید (احسن) (آفرین) (یز بشکپور - پس ما نزدیک شدید) منهای تعصبات راجع به برتری نژاد که از نظر ما محکوم است (همه‌ها نمایندگان پان ایرانیست) ما به حقوق انسانی معتقدیم ما به انسانیت فکر میکنیم (همه‌ها نمایندگان) ما برتر از رنگ و نژاد فکر میکنیم هدف اندیشه‌ها است نه رنگ و نژاد (صحیح است) هدف به زیستن است و به زیستن انسانیت است (صحیح است) و آنچه برای ما اهمیت دارد وجود انسانی و رفاهیت انسانها در روزگار ما است برای ماسیاه آفریقای با آن سوئدی بلوند هیچ فرق ندارد (صحیح است) ما از بزرگترین مکاتب انسانی اسلام الهام میگیریم (آفرین - احسن) ان اگر مکم عندالله تعالی که آن فائز بزرگ که گفت سید فرشی و سیاه حبشی مساویند (آفرین) این است مبدأ تعالیم حزب ایران نوین در بعد تاریخی خودش (دکتر صدر - شما تبایخ عقاید مارکسیسم را می‌کنید حق ندارید چنین صحبت کنید) (یز بشکپور - تئوریسین‌های شمارا ما میشناسیم) (دکتر فریور - کسانی که ما پیشه‌وری بودند در بین شما هستند) (همه‌ها نمایندگان - رنگ رئیس).

رئیس - آقایان اجازه بفرمائید ناطق بصحبتش ادامه بدهد.

دکتر صدر - هیچکس حق ندارد راجع به مارکسیسم صحبت کند.

جوانشیر - اگر من میدانستم که برای یمن بیشتر ویراکات بیشتر نقل روایتی از پیشوای بزرگ عالم بشریت چنین جنجالی ایجاد میکند عرض نمی‌کردم (پور ساطع - اینها اعتقاد ندارند) (دکتر فریور - شما کار عمر و عاص را

میکنید) راجع به سیستم یک حزبی و یا چند حزبی اشاره شد همانطور که رهبر بزرگ مملکت بیان فرمودند برای آنکه میتوان از کلیه نیروهای جامعه و ابتکارات مردم حداعلی استفاده را بعمل آورد در این زمینه حتی رقابت بین احاد مردم برای تسریع پیشرفت بوجود آورد ما در سیستم حزبی طرفدار انحصار نیستیم و برای کلیه گروه‌ها و احزاب در قبال فلسفه و تعالیم انقلاب ششم بهمین آزادی فعالیت قائلیم (احسن) ولی نباید اشتباه کرد همانطور که در یک انقلاب مانند انقلاب ششم بهمین هدف اساسی عبارت بوده است از بدست گرفتن دستگاه دولت توسط گروه‌های مترقی و انقلابی و آزاد کردن قشرهای عظیم جامعه که در شرایط کهنه مجال فعالیت و استفاده از دسترنج خود را نداشتند در سیستم حکومت حزبی نیز حزب اکثریت ناچار است همان نمونه را که مضمون تحقق آرمانهای سیاسی و اقتصادی است در اداره مملکت اعمال نماید و زندگی بهتر برای همه را فراهم کند. نباید اشتباه کرد که سیستم چند حزبی بدان فعالیت که حزب حاکم در پیش بود مقاصد و هدفهای خود از نمایندگان احزاب دیگر استفاده کند و آنان را در تصمیمات خود دخیل کند بدیهی است در کادرهای تخصصی از کلیه عناصر غیر حزبی که قصد خدمت دارند استفاده میشود (احسن).

بنده برای اینکه آقایان نخرات نشوند حرف نمیزنم از روی یادداشت میخوانم (یز بشکپور - شما میانیت ماهیت را روشن می‌کردید بفرمائید) من بموجب آنچه که در صورتجلسه مجلس ضبط شده ماهیت انقلاب مقدس ایران را در بعد تاریخ و مذهب مقدس بررسی میکنم چون معتقدم که ما تعالیم مترقی بسیاری داریم و هیچگاه احتیاج به افکار برون مرزی نداریم (احسن، احسن).

یز بشکپور - شما راجع به حزب پان ایرانیست، حزب ملت ایران مطالبی را گفتید که رادبو پکن میگوید.

دکتر فریور - عوامل پیشه وری این حرفها را میزدند (همه‌ها نمایندگان).

دکتر صدر - همین مطالب را رادبو پکن ایران میگوید (رنگ رئیس).

حیدر صائی - جز این حرفها را میزنید ساکت رئیس - حاره در هید صحت کنند
 جوانشر - راجع به انقلاب اداری مطالبی بیان شد هم تصور که حزب ما بطریق علمی مسائل اداری را بررسی کرد و بشیخی نیز بدین منظور تشکیل داد ما توانستیم توجه ضرورتهای تکامل انقلابی و در قالب روابط مترقی اقتصادی که ما مل اداری را مورد ارزیابی قرار دهیم بر آن مبنا انقلاب اداری مقدم بر همه عبارست از مشی صحیح و علمی در زمینه های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و در مرحله بعد آماده کردن عناصر ذهنی و افکار انقلابی در آحاد مردم بمنظور تسریع تحقق هدفها و شناخت روابط بین مردم و دستگاه دولت

بنده در آخر بر نامه خودم از جناب آقای پزشکپور بسیار تشکر میکنم بمناسبت ذکر خیر و اظهار محبتی که نسبت بدبیر کل حزب ما کردند همچنین از این سعه صدر جنابعالی و اصالت نظری که در شناسایی سربازان انقلاب دارید برای اینکه آقای خسروانی دبیر کل حزب ما بک سرباز فداکار انقلاب است سربازی که هر بار تا ساعت ۱۱ و ۱۲ و حتی دیرتر اگر از کنار حزب ایران نوین بگذرد خواهد دیدید که چراغ اطاق ایشان میسوزد این چراغ میسوزد که ما میتوانیم مشعل جاودان انقلاب ایران را که ملهم از افکار متفکر رهبر بزرگ ایران شاهنشاه است همیشه روشن نگاه داریم (آفرین - احسن)

۴ - تصویب صورت جلسه

رئیس - صورت جلسه روز پنجشنبه خدمت خانها و آقایان توزیع شده است راجع بصورت جلسه نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه تصویب میشود

۴ - ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۲۸ کل کشور

رئیس - آقای دکتر عاملی بعنوان مخالف صحبت میکنند بفرمائید

دکتر عاملی - جناب آقای رئیس همکاران ارجمند بحث بودجه در حقیقت هم رسیدگی به عملکرد گذشته دولت هست و هم توجه به برنامه های آینده از این نظر است

که وقتی در مجلس شورای ملی مسئله بودجه مطرح میشود موقعیت استثنائی پیش می آید که در هنگام بحث هیچک از لوابیح و طرحها این موقعیت وجود ندارد در اینجا امکان آن هست که نسبت به برنامه های گذشته و نسبت به آنچه که در آینده باید بموقع اجرا درآید مطالبی عنوان بشود در ادوار گذشته که مجلس بر اساس نیروهای حزبی و گروههای پارلمانی حزبی متکی نبود غالباً نظراتیکه گفته میشد نظرات شخصی بود ولی اکنون مجلس ما از سه گروه پارلمانی حزبی تشکیل شده است و از این نظر است که مسائل از دیدگاه حزبی مطرح میشود اینرا دهائیکه به برنامه دولت میشود آن را حاصل بر برنامه حزبی میتوان کرد و آنچه را که در آینده باید

تذکر داد تذکر دهنده از حد و نظر بک حزب از جهت یک ایدئولوژی خاص که بآن اعتقاد دارد مطرح میکند و از این راه میخواهد که مورد توجه و عنایت قرار بگیرد آنچه که متأسفانه چند لحظه پیش وقوع پیدا کرد من قبل از اینکه به تذکرات کلی خود بپردازم ناگزیر هستم نسبت بآن تذکری بدهم و میخواهم خواهش کنم که همه دوستان عنایت کامل بفرمایند و آن نکته ای که میخواهم تذکر بدهم همانست که بر اساس آن تاکنون با هم کار کرده ایم و در آینده هم میخواهیم کار کنیم ما باید بر اساس حسن تفاهم با هم کار کنیم یعنی نه ما باید در مورد کتربن یا ایدئولوژی حزب شما یا هر اصطلاح دیگری داشته باشید اشتباهی داشته باشیم و نه شما باید درباره نظرات حزبی ما سوء تفاهمی داشته باشید البته حزب ما همانطور که میدانید سابقه متجاوز از ۲۵ سال دارد از دوران گذشته کوششها و فعالیتها ما در برابر عناصر با اصطلاح چپ که از قطهای بین المللی افکار چپ هدایت میشدند و متأسفانه در وطن ما بودند قرار داشتیم و نهیم هائی از آنها میشدید روش مبارزاتی آنها طوری بود که هر گاه از کسی خوششان نیامد به او بک اسمی میدادند و در تمام دنیا اسمی که آنها به مخالف میدادند لفظ مشابهی داشت من هیچ ضروری نمیبینم که بآنها اشاره کنم من غالب آقایان از بیست و بیست و پنج سال بالاتر است و بخاطر

در بد سطح مبارزاتی آنها را و نهیمتهای مبارزاتی آنها را در دوران جنگ کشوری در دنیا بود و عقایدی داشتند از آن عقاید مورد نفرت ملتها و کشورهای جهان بود و هست آنچه را که در زمان جنگ هربه شایسته گروههای چپ بود ما اشاره بآن کشوری که در آن زمان زنده بود و افکاری بود که از آنها گرفته شده بود ولی این همان حرفها را در طول مبارزات بعدی به تمام عناصر و عوامل دیگر نسبت میدادند و هنوز هم میدهند خوشبختانه ما امروز در داخل وطن خودمان همانگونه که اشاره شد از نیت از امنیت از امنیت فکری برخوردار هستیم و بآن گونه تبلیغات بیگانگان و عناصر و گروههای چپ بین المللی در داخل کشور ما وارد نیستیم ولی در کشورهای اروپائی که گروهی از دانشجویان ما درس میخوانند گروهی از فرزندان شما تحصیل میکنند چون هنوز آنگونه تبلیغات هست آنگونه اصطلاحات هست و بدوستان ما بته پان ایرانست هاید ناسیونالیست های ایرانی همان حرفها را میزنند در صورتی که این صحیح نیست و شما هم میدانید که صحیح نیست و اگر بفرض فرصت و مهلت آنرا نداشته باشید که درباره فکر و اندیشه های پان ایرانیسم بحث و بررسی کرده باشید این جای بسیار تأسف است که خدای نکرده ما گمان کنیم که نهیمتهائی که گروه بین المللی چپ در گذشته ما میزدند و امروز در کشور های اروپائی میزنند و بلندگوهای تبلیغاتی آنها باز گو کنند آنها است اگر بر ذهن کلی خطور کند که اندکی از آن صحیح است این پایه و ما به سوء تفاهم خواهد بود و این چیزی است که ما باید از آن اجتناب کنیم من خیلی متأسفم که در اینجا ناطق مخترم وقتی که فرمودند ناسیونالیسم کرات هستند با ناسیونالیست دمو کراتیک هستند و من از دیگر رهبران و زعمای حزب اکثریت هم شنیده بودم که بک ایدئولوژی با این اسم با این ترکیب یعنی ترکیبی از دمو کراسی و ناسیونالیستی دارند حرفی نیست ما هم همین اندازه درباره شما میخواستیم بدانیم و هر آینه که بیشتر درباره آن توضیح بدهید همیشه ما بیل هستیم که بدانیم که شما چه میگوئید و دقیقاً بدانیم که شما چه میخواهید و همین انتظار را هم داریم که شما دقیقاً بدانید که ما چه میخواهیم در بر ایران

که ما بگوئیم شما از جهت ناسیونالیسم ما نزدیک هستید هر گروهی که انتظار این را نداشته ایم و نداریم که در پشت تریبون مجلس حتی به کنایه گفته شود که «منهای تبعیضات نژادی» این صحیح نیست این قدر دانی و حق شناسی از یک گروهی که ۲۵ سال باس آئین درفش شاهنشاهی را داشته نیست که شباهتی پیدا بشود بین آنچه را که گروه های مترکز در اروپای شرقی گروه های تیکه با ایدئولوژی های دیگری مجهز هستند که ما از هر جهت با ایدئولوژی آنها مخالف هستیم می آیند حرف میزنند ما میزنند که شباهت دارد با نژادی که آنها دارند اما از جهت تبعیضات نژادی همانطور که شما میتوانید در روزنامه خاگ و خون ببینید و بخوانید ما همواره نسبت به سیاست تبعیض نژادی که در هر گوشه دنیا بوده است بنا دلایلی بیان داشته ایم که اینگونه سیاست های ضد انسانی در خور جهان بشری نیست در مورد زود زیا و در موارد دیگر که خوشبختانه در سایر موارد این نکته را باید اذعان کنیم میدیدیم که نمایندگان سیاسی مادر سازمان ملل متحد در ضمن قطعنامه ها با مستقلاً با معیت دیگران همینگونه سیاستهای ضد بشری را تفتیح میکردند پس بک حزبتیکه کار نامه اش اینقدر روشن است نمیبایست بالحنی بلو گفتگو بشود که خدای نکرده در مظان آنگونه نهیمتهائی قرار بگیرد که دشمنان ایدئولوژی ما همیشه کوشیده اند ما نسبت بدهند و نهیمت بزنند و شاید در آینده هم بگویند و ما از آنها هیچ انتظاری نداریم برای اینکه ما سنکرا از دست آنها میگیریم ما داریم زمینه را از دست آنها میگیریم آنها در بک حلاء فکری مبارزه میکردند، آنجائیکه جوانها نمیدانستند ناسیونالیست چیست ولی ما داریم این زمینه خالی را پر میکنیم این ایدئولوژی نیرومند و قوی و متکی بر مبانی علمی را به جوانها میگوئیم آنها باید بمافحش بدهند برای اینکه ما داریم سرمایه کارشان را از دستشان میگیریم اندیشه های جوانان و مغز جوانها را داریم از آنها میگیریم محیطهای فعالیتشان را داریم از آنها میگیریم و گرفته ایم و خواهیم گرفت و بالاخره ایران و ایرن زمین را از لوث اندیشه های آنها بک میکنیم بلی درون مرز و برون مرز چرا از لفظ برون

مرز میترسید آری دانشجوی شما که دارد در برون مرز درس میخواند مسئله ای ندارد ؟ دارد آنجا درس میخواند چند نفر ، تعداد زیاد آنها واقعاً با قلب ناک میروند با عشق خدمت ما بران میروند ولی آنها نیکه باید وظایف جهانی خودشان را انجام بدهند از همان لحظاتی که جوان ایرانی در فرودگاه پسا از هوا بیما بیرون میگردد دوره اش میکنند تبلیغات خودشان را بسوی آنها میکشاند شما شنوید ببینید که چند صدای خارجی روی جوانان ایرانی تبلیغ میکند تا آنها را در مسیرهای منحرفی قرار بدهند این مطلبی است وجود هم دارد در گذشته وجود داشته امروز هم وجود دارد من نمیگویم که امروز میتواند همه جوانان ما را تحت تأثیر قرار بدهند هرگز چنین چیزی نیست و جوانان ما با روح باز بر خوردار از عشق ما بران زمین کوشش و تلاش میکنند در برابر آنها ایستادگی میکنند ولی بیک چیز نیاز دارند یک چیز که روح جوان آنها را اقتناع بکند اینها احتیاج دارند که آئین خدمت بعین و ملت خودشان را بر اساس یک فرمول و یک اساس علمی با آنها بگویند و آن چیز است که همیشه ما فریاد زده ایم لازمست در این کشور آئین زندگی ملی آفتور که یک جوان میپسندد تنظیم بشود و با او گفته شود چه در محیط داخلی و چه در محیط خارجی پس وقتیکه ما میگوئیم مسائل درون مرزی و برون مرزی وجود دارد در بسیاری از موارد است که مسائل ما بعد مرزهای داخلی تمام نمیشود یکی از آنها گسترش زبان فارسی است و دفاع از فرهنگ زبان فارسی است محدود این فعالیت درون مرزیست محدود این فعالیت برون از مرزها هم هست نباید توجیحات عجیب و غریب کرد از الفاظ نباید گمان کرد اگر کسی گفت درون مرز و برون مرز این طور فرض کنید منظورش یک نوع جهانگشائی است هر ملتی در دنیا هر قدر کوچک باشد یک سلسله مسائلی دارد که این مسائل در محدود مرزهایش قابل حل و فصل است یک سلسله مسائلی دارد که حدود آن از محدود مرزهایش دورتر است مسئله تبلیغات مسئله ای است که در محدود آن مرزهای داخلی نیست همانطور که صدای رادیوهای بیگانه ما بران میرسد همانگونه هم باید صدای رادیوهای ما بکشورهای

دیگر برسد بنابراین این مسئله است که تنهادر ۴ دیواری داخلی قابل حل نیست و باید بموجودیت آن ملک در فضائیکه هست ، در جهانیکه هست توجه کرد امروز دوره ای است که بشر زمینی دارد مناطقی در ماوراء حو و در اعماق فضا راه پیدا میکنند و دیگر باز در هر ملت زندگی در صد این بر خواهد آمد که مسائلش تنهادر محدود به درون مرز و برون مرز نباشد بلکه محدود به روی زمین هم نباشد و عرصه فضا را هم مورد توجه و عنایت سیاست خودش قرار بدهد اینست که این تذکر را لازم دیدم از جهت ایدئولوژی عرض کنم که ما باید یکدیگر را همان گونه که هستیم بشناسیم و بر همین اساس با هم تفاهم داشته باشیم تا بتوانیم بکمک یکدیگر وظیفه مقدسی را که در برابر انقلاب اجتماعی ایران داریم بخوبی انجام بدهیم یا همه اینها من از دوست از جنمند آقای جوانشیر که شاید بهک کسالت تشریف بردند سیاست گزاری میکنم از این نظر که وقتی عنایت و توجه کردند به نظریات سروریز شکیور فقط در چند مورد ناچیز بود که ایرادهائی گرفتند و آن ایرادها را بیان داشتند و من از اینکه ایشان تلویحاً با سایر مذاکرات حزب بان ایرانست هماهنگ شدند سیاست گزاری میکنم (عباس میرزائی) اینطور نیست مطالب شما را هم مسلکان دیگر ما جواب خواهند داد شما صبر کنید این هنوز از نتایج سحر است ما هم تشکر خواهیم کرد بهر حال من به همین مختصر بسازم آنچه تذکرات ایشان ناگزیرم کرد به پاسخ بپردازم ، کفایت میکنم به تذکراتی که بموجب وظیفه حزبی قرار است خود من در اینجا خدمت همکاران ارجمند و هیئت دولت بدهم ، میبپردازم ، یکی از دلایل و سبب هائیکه بحث بودجه را طو لانی میکنند این است که هر یک از ما فکر میکنیم بر حسب وظایف نمایندگی خودمان باید تذکراتی بدهیم و چون در ضمن سال هم کمتر این فرصت پیش میآید که جائی برای بحث و گفتگو برای مسائلیکه منطبق با مصالح ملت ما است پیش بیاید این است که بحث بودجه بعین کثرت تذکراتیکه باید داده شود بدرتزا میکشد البته در توصیه هائیکه برای انقلاب اداری هست در این مورد هم توصیه هائی هست که میباید دستگامهای دولتی بتوانند

از نظر مردم استفاده کنند ولی متأسفانه روشی که بموجب آن باید دستگامهای دولتی از نظریات مردم استفاده کنند هنوز بوجود نیامده دستگامهای اداری میا که دارای نواقص بسیاری هستند از جمله این نقص را هم دارند که نمیتوانند پیشنهادها بگیری و پیشنهاد را جذب کنند این نکته ای است که واقعاً تنها بعنوان یک نظر گوینده مخالف نباید به آن توجه کرد واقعاً از نظر مصلحت مملکت بینه چه راه حلی برای این مسئله میشود پیدا کرد طرفت گرفتن پیشنهاد ، تجزیه و تحلیل کردن پیشنهاد و بکار بستن پیشنهاد این تنهادر منوط بحسن نیت مجری نباید باشد که در موقع پاسخ دادن بفرمائید ما که همیشه در اطفا قمان باز است ما که همیشه حاضر هستیم که اگر کسی تذکره پیشنهادی داد ما آنها را بگیریم و مشغولیم غالباً کسانی در این مملکت این تجربه را دارند که بدستگامهای گوناگون مراجعه کرده اند پیشنهاد هائی با کمال حسن نیت و علاقه ارائه داده اند ولی بعداً با آن پیشنهادها توی جای اشغال پیدا شده یا در پرونده هائی گذاشته شده است و آن پرونده ها مدفون شده است چرا ؟ دلیلش این است که سازمانها برای گرفتن پیشنهاد برای هضم و جذب پیشنهاد دارای ارگانهاسیون باشند دارای قسمتهائی باشند و این قسمتها باید در تلوسلطانهاشان وجود داشته باشد در گردش کار چرخهای اداریشان وجود داشته باشد اگر یک چنین دستگامی وجود داشته باشد آنوقت شاید بحث بودجه هم بتواند خیلی کوتاه باشد چون بسیاری از پیشنهادها بطور خود بخود ولو اینکه در یک روزنامه شهر در افتاده ای منعکس شده باشد خود آن دستگامیکه رساننده و جاذب پیشنهادها است آن سیستمهائیکه برای آن تهیه شده است ، که افکار جدید و تحقیقات جدید را بگیرند نتیجه پژوهشهای جدید را بگیرند آن پیشنهاد تازه را خواهند گرفت و در داخل سازمان تجزیه و تحلیل خواهند کرد و نکات مفید و مؤثر آنرا اخذ خواهند کرد و بکار خواهند بست اما چون چنین سیستمی وجود ندارد ناگزیر کارهای ما بر حسب اینست که پیشنهاد دهنده چقدر علاقه و اصرار داشته باشد چقدر دنبال کارش را بگیرد و آن کسیکه پیشنهاد را گوش میکند چقدر حسن

نیت و فرصت داشته باشد تا به این پیشنهادها رسیدگی کند بنابراین در همین آغاز اجازه بدهید که به این نکته توجه کنیم در این تذکره را بگوئیم تا سالهای دیگر ببینیم تأثیر گفتنی چه هست موارد بسیاری خواهیم رسید که بقول یکی از دوستان تکرار مکررات است ولی این نقص مانیت تذکره مفیدی بوده است داده شده بعداً بسیاری آمدند فرمودند که این تذکره بسیار بجای مفید بود و همه دوستان از اقلیت و اکثریت مسئولین دستگام مجری و غیر مجری آمدند گفتند بر نامه صحیح بود نظر صحیح بود ولی حال بعد وقتی بودجه میآید میبینیم از برنامه صحیح خبری نیست و در جهت عکس چیزهائی وجود دارد و اینست که ناگزیر میشویم چون پیشنهادها صحیح بود ، همان پیشنهادها و تذکرات را وقتی میبینیم بموقع اجرا گذاشته نشده تکرار کنیم در اینجا منظور این نیست که قطعات ادبی را ارائه دهیم که این قطعات یک حسن تازه و نو بودنش باشد در اینجا میخواهیم برای مملکت پیشنهاد هائی ارائه بدهیم ، تذکراتی بدهیم ، طبیعی است اگر یک بار تذکره مفیدی را دیدیم متذکر خواهیم شد و در اینجا اگر با حسن برخورد در آن پیشنهاد مواجه شدیم بار دیگر همان پیشنهاد را اگر انجام نشده بود تکرار خواهیم کرد ، بنابراین اولین نکته این است که به مجریان امور این یادآوری را بکنیم که برای دستگامهای خود یک قسمتی را بوجود بیاورند که این قسمت بتواند بطور صحیح پیشنهاد را که حاصل تحقیقات و حاصل پژوهشهاست بگیرد و از آن استفاده بکند در غیر اینصورت بسیاری از اقدامیکه در این بودجه هست و صرف کمیسیونها و سمینارها و کنفرانسها و کنگره ها میشود تماماً اینها باطل و بی مورد و بیهوده خواهد شد (صحیح است) شما سمینار تشکیل میدید ، بسیار خوب ، سمینار تشکیل دادن ناشی از این است که شما بیک موضوعی توجه کرده اید حالا البته بعضی از سمینارها را باید پنجاه سال قبل تشکیل میدادند این اشکالی ندارد و تقصیر شما نیست و بعضی از سمینارها را هم باید قبل از تشکیل حکومت حزبی تشکیل میدادند آنها را هم که در دوره حکومت و بخرج دولت تشکیل میدادند اشکالی ندارد و بهر حال وقتی سمینار تشکیل شد یک

فقط نامیده و قطنامه چیست چند توصیه چند پیشنهاد است
 اگر دستگاه‌های شما دارای قسمت‌هایی نباشد که اینها
 را بگیرد و روی روشهای اداری و سازمانی که شما بیش
 از همه ادعایش را می‌کنید و ما کمتر از همه نتیجه آن را
 می‌بینیم، این را بکار بگیرد تجزیه تحلیل کند روشهای
 اجرایش را پیدا کند حاصل سمینار چیست، همین دفتر
 گزارشهای یکساله را اگر ورق زده باشید در کمتر
 دستگاهی است که بعنوان يك فعالیت مؤثر آن دستگاه
 نوشته باشد تشکیل سمینار فلان، تشکیل کمیسیون
 برای فلان کار و تشکیل هیئت‌هایی که خلاصه کار این
 هیئت‌ها این است که پیشنهادها را تدوین کنند اما
 در این سازمانها هیچ قسمتی را نمی‌بینیم که فکر جدید
 را بگیرد و فکر جدید را از کاغذ به کنده و دستگاه القا
 کند می‌گویند قسمتهای طرح بودجه و آنهایی که در
 دستگاههای اداری هستند بهتر از من واقف هستند که
 این قسمت‌های طرح ریزی هنوز بآن حد از رشد و فعالیت
 نرسیده است که در سازمانی بتواند يك چنین وظیفه‌ای
 را انجام بدهد، اما بهر حال این ضرورت احساس میشود که
 يك چنین وظیفه‌ای را انجام بدهد من امیدوارم که بعد از این
 هر کس که میخواهد پیشنهاد تشکیل سمیناری
 بکند قبل از اینکه این پیشنهاد را بدهد ببیند آیا در
 دستگاههای اجرایی خودش کسی را دارد، سازمانی را
 دارد که وظیفه او گرفتن پیشنهادها و بکار بستن پیشنهادها
 باشد اگر دارد برود سمینار تشکیل بدهد والا چه فایده
 که سمینار تشکیل بدهیم، به متخصصین و کارشناسان درجه
 اول دنیا مأموریت بدهیم که يك موضوعی را مطالعه
 کنند وقتی شما در سازمان خودتان آن قسمت اجرایی را
 نداشته باشید که بتوانید نتیجه سمینارها را
 بکار ببرید، پس اول وسیله را فراهم بکنید برای
 استفاده از نظریات و سپس بروید بدنبال
 اینکه نظریات را بگیرید، عرض کردم در هنگام بودجه
 تذکراتی داده میشود و اکنون که کار ما بر مدار کار حزبی
 است این تذکرات از جنبه دید حزبی دیده میشود و نتیجه

که از این راه بر گردند در ماده واحده‌ای که اینجا تقدیم
 شده است سه فراز است که در فراز دوم این عبارات نوشته
 شده است «بدولت اجازه داده میشود درآمدهای مزبور را
 وصول و در حدود درآمدهای وصول شده هزینه‌های مستمر
 و غیر مستمر روزانه و مؤسسات دولتی و همچنین کمک
 ها و اعتبارات سایر دستگاهها و ردیف‌هایی را که در جدول
 منضم به این قانون از محل درآمدهای عمومی منظور
 شده است بر اساس تخصیص اعتبار تعهد و بار عایت مقررات
 و قوانین مربوط و تبصره‌های زیر پرداخت نماید» این
 عبارت در لایحه هست در لایحه اینکه پنجم مطرح است و
 شنبه انشاء الله آنرا تصویب خواهید کرد و البته من امیدوارم
 که این تذکرات سبب شود اصلاحات لازم
 عمل بیاید و شما تصویب بفرمائید و در اینجا گفته شده
 است بر اساس تخصیص اعتبار تعهد شود، در این فرمول
 خیلی مطالب هست که اینجا میخواهم آنرا تجزیه و تحلیل
 کنم آیا واقعا منظور آن این است که همینطور باشد و
 در آن يك نوع دلائل علمی و اقتصادی و اجتماعی وجود دارد
 که ما از آن غافل هستیم یا اینکه شما نمیخواستید و
 اینطور شده است؟ راجع بانکه تفاوت لایحه بودجه با
 لوائح دیگر چیست غالباً بحث‌هایی شده است حتی
 میگویند بودجه خودش قانون نیست يك سند پیش بینی
 است ولی بهر حال آنچه مسلم است اینست که لایحه بودجه
 در خودش تکالیفی را دارد و آن تکالیف را همین میکند و
 بحث و بیهوده نیست که ما لایحه بودجه را تصویب
 میکنیم و در این لایحه الزاماتی وجود دارد
 و این صرفاً پیش‌بینی نیست يك پیش‌بینی خاص است
 البته نوعاً پیش‌بینی است پیش‌بینی درآمد و پیش‌بینی
 مخارج ولی لایحه بودجه با خودش الزاماتی را دارد
 اجاباتی را دارد مسئولیت‌هایی را بر عهده گردانند گناش
 میکند از این الزامات توجه کنیم و ببینیم چیست، رقم
 هزینه که در بودجه هست که بین دستگاههای مختلف
 تقسیم میشود و در هر دستگاه بین مواد مختلف تقسیم
 میشود و این ملاک مسئولیت است، همین دلیل است
 که موجب قوانینی که هنوز جاریست هن کس از وزیران
 اختیاری که در اختیار او هست بیشتر تعهد کند اساساً
 جرم است جرمی است که قانون شناخته و برای آن کیفر تعیین

کرده پس رقم‌هایی که در ستون هزینه است الزام آور است
 اگر بگوئیم آنچه که در ستون درآمد است آنها الزام آور
 نیست و دارایی میتواند بیش از آنچه که در ستون درآمد
 هست مالیات جمع کند اشکالی ندارد ولی در ستون هزینه
 الزام آور است، ملاک مسئولیت است، تعیین حد
 مسئولیت است، یعنی يك سلسله بر نامه‌هایی را بموجب قوانین
 یا بموجب آنچه که محتوی بودجه است در مجلس قبول
 میکنیم و تصویب میکنیم این برنامه‌ها را میساریم به
 مسئولین و میگوئیم بروید این برنامه‌ها را اجرا کنید آنها
 هم بموجب قانون در برابر قوه مقننه مسئول هستند ولی
 صرف تعیین برنامه و تنظیم بر نامه خود مسئولیت را ترسیم
 نمکنند مثال هر ضی میکنم ما يك قانون بسیار خوبی داریم
 باسم قانون تعلیمات اجباری، مجلس تصویب کرده است که
 تمام افراد لازم‌التعلیم در سنین کودکی باید طبق شرایطی
 بروند و درس بخوانند و اجباریست ولی وزارت آموزش و
 پرورش از روز تصویب این قانون تا امروز نتوانسته است این
 کار را انجام بدهد، برنامه است، مجلس تعیین کرده
 اما وزارت آموزش و پرورش اجرا نکرده معذک بعنوان
 مسئول در اینجا کسی سؤال نکرده است که چرا تمام
 افراد را بمدرسه نفرستاد باید برای اینکه جواب روشن
 است اگر کسی میپرسید چرا این قانون تعلیمات اجباری
 را اجرا نکردید جوابش این بود که شما بر رقم‌های بودجه‌تان
 نگاه کنید شما اعتبار کافی بمن بدهید من از همین
 احوال و شاید از همین امروز شروع میکنم
 (دکتر المونی - وسیله اجرائی باید فراهم
 بشود) مسئولیت بر دو اساس است یکی برنامه‌ای که تنظیم
 میشود و یکی اعتباری که تصویب میشود، اعتبار چهار چوب
 اجرائی بر نامه را تعیین میکند و همین چهار چوب عدم مسئولیت
 را تعیین میکند پس سند بودجه الزام آور است از نظر هزینه،
 هزینه محتوی برنامه است رقم هزینه محتوی چیزی است
 که برنامه باید اجراء شود قانون داریم که باید شرکتهای
 سهامی زرعی تشکیل بدهیم این از قوانین انقلابی هم
 هست مورد توجه همه ماست همه کشاورزان هم از آن
 استقبال میکنند ولی شما وزیر اصلاحات ارضی را بیازرید

اینست که مجموعه این تذکرات از جانب حزبی که ارائه
 میدهد سیمای واقعی آن حزب را بیان میکنند و از جانب
 دستگاهی که مورد انتقاد قرار میگیرد منجر باین میشود
 که سیمای واقعی آن حزب آشکار شود، چون هیچ حزبی
 هیچ عقیده‌ای هیچ دکترینی عبارت از چیزی که
 اصحابش می‌گویند نیست ما ممکن است درباره خودمان
 بسیار چیزها بگوئیم شما هم ممکن است درباره خودتان
 بسیار چیزها بگوئید ولی واقعیت شما آن کار است که
 میکنید (صحیح است) واقعیت ما آن عملی است که خواهیم
 کرد، حزب اکثریت از این نظر واقعیتش آشکار است
 چون در عرصه عمل است، صاحب قدرت اجرایی است
 بنابراین آنچه را که ادعا داشته فرصت دارد که بروز
 بدهد، فرصت دارد که نشان بدهد اگر این کار را نکنید
 برعکس میشود یعنی آنچه را که نشان میدهند و بروز
 میدهند منقذین آنها را میگیرند کنار هم
 می‌چینند، کنار هم قرار میدهند و با آنها صورت واقعی
 حزب‌شمارا ترسیم میکنند، بنابراین من امیدوار هستم وقتی
 این تذکرات را بیان کردم دریابان بتوانند نتیجه بگیرم
 که شما بموجب عملکردتان چه هستید و شاید اگر پسندید
 آنچه را که بموجب عملکرد خودتان هستید با آن ادامه
 بدهید و اگر نیستید بروید در آن تجدید نظر کنید،
 سمینار تشکیل بدهید، کنگر هم تشکیل بدهید که چرا شما
 در يك جهتی بحرکت میکنید که آنچه را که میخواهد
 در يك طرف قرار گرفته و آنچه را که میکنید در جهت
 دیگری است اولین قسمتی را که میخواهم بآن بپردازم
 و نظر همکاران ارجمند را بآن جلب کنم و با اعتقاد من این
 یکی از موارد اساسی است که بطور دقیق روشن میکند که
 حزب شما چگونه نسبت به مسائل مملکت فکر و عمل
 میکند و خیلی مطالب بود در این بحث بخصوص جناب
 آقای نخست وزیر هم حضور میداشتند (دکتر طالع - بالا اقل
 هیئت وزراء) (دکتر المونی - آقایان وزراء هستند) و ما
 از اوصاف ایشان بر خوردار میشدیم و خودشان
 توجه میفرمودند و پاسخ میگفتند که آیا میخواهند اینطور
 عمل کنند یا این يك اقدام استثنائی است و کاری است که
 برای بکار شده است و شاید هنوز هم فرصتی آن باشد

بیش بینی شمار مورد افلام در آمد صحیح باشد بدانند که مجموعه قلم های درآمد در طول سال میتواند مجموعه قلم های هزینه را تکاؤ کند اگر این پیش بینی صحیح نباشد تا بک مقدار زیادی از درآمد مملکت که باید صرف عمران و صرف بهبود زندگی مردم بشود بلو که خواهد کرد و آنها را کنار خواهد گذاشت پس اندرز بی جا خواهید کرد اگر پیش بینی برعکس باشد کس میآورد و بسیاری از برنامه هایی که مجلس ضرورت آنرا تصویب کرده است نمیتوانید به موقع اجرا بگذارید اینهاست الزامات سند بودجه رقم هزینه ملاک مسئولیت هر مجری است مجموعه هزینه و درآمد ملاک مسئولیت حکومت است در برابر مجلس (آفرین) حال در اینجا میفرمائید که تمهید برابر تخصیص یعنی چه؟ این را عرض کنم گفته میدانم بودجه بعد از تصویب یک مرحله دیگر دارد و آن مرحله اجزای بودجه است اجرای بودجه عبارت از اینست که قلمهای تصویب شده مجلس به دستگامی ابلاغ شود که شما حق دارید بدانقدر خرج کنید نحوه اجرای بودجه تابع نظریات علمی است که من از آن مطلقاً اطلاع ندارم ممکن است مجری دلتش بخواند روز بروز ابلاغ کند ممکن است دلتش بخواند هفته به هفته ابلاغ کند ممکن است دلتش بخواند سه ماه سه ماه ابلاغ کند ممکن است $\frac{1}{3}$ ابلاغ کند ممکن است بعضی اعتراضات را زود ابلاغ کند بعضی را سه ماهه اول سال ابلاغ کند این مکانیسم ابلاغ بودجه است ولی نحوه اجرای بودجه مغل مسئولیت نباید باشد نحوه اجرای بودجه عمل اجرائی است اجرای آئیننامه است اجرای روشهای کار است و اصل کلی در قانونگذاری اینست که روشهای اجرائی مغل اصل و مغل قانون نباید باشند آنها باید روشهایی باشند که قانون را اجرا کنند قانون بودجه مسئولیت را تعیین میکند مسئولیت را تعیین میکند بنابراین ما از آن کسی که در برابر یک رقم هزینه مسئول هست میخواهیم بوظیفه خودش عمل بکند دولت چه جور این پول را در اختیارش میگذارد به ما ارتباط ندارد اگر نحوه مدت در اختیارش میگذارد این بنا ارتباط ندارد اگر نحوه اجرای قانون سبب بشود که اصل قانون منتفی بشود این خودش

مسئولیت جدیدی را ایجاد میکند اگر فرض کنید یک رقم بودجه ساختمانی گذاشته شده باشد برای یک منطقه سردسیر بخاطر اینکه یک مدرسه بسازند ولی مقام اجرا کننده این اعتبار را در بهمن ماه در اختیار آن دستگام بگذارد هر دوی آنها مسئولند آن دستگام مسئول است چرا مشکلات اجرائی خودش را در هیأت دولت مطرح نکرده و از تمام امکاناتیکه داشته استفاده نکرده و مجموع دولت هم مسئول است که چرا اعتباریکه باید در فروردین با اردیبهشت بدهند در بهمن ماه داده اند پس نحوه اجرای قانون بودجه محل مسئولیت نباید باشد در اینجا آنچه می بینیم که لایحه حکومت حزبی شما ابقاء میکند اینست که میخواهند روش اجرائی را صورت قانونی بدهند چه قانونی؟ قانونیکه اساس بودجه نویسی و نظارت مجلس بر قوه اجرائیه را منتفی میکند و از بین میبرد همانطور که عرض کردم ما در مقابل هزینه ای که در این کتابها نوشته شده برای بکنفر میتوانیم مسئولیت تعیین کنیم و از او بخواهیم ولی اگر این شخص پس فردا آمد و گفت من مسئولیت را انجام ندادم چون تخصیص بودجه من ابلاغ نشد و شما در قانونیکه تصویب کردید گفتید بر اساس تخصیص بودجه پس اگر این لایحه باین شکل تصویب شود اساس مسئولیت قوه مجریه در برابر قوه مقننه برای همیشه منتفی است (صحیح است) (دکتر الموتی - جنابعالی که مرد عمیقی هستید چنین فرمایشی نفرمائید) من حاصل تعمق خودم را عرض میکنم توضیحات جنابعالی را هم با نهایت انصاف گوش خواهم کرد یک رقم هزینه هست این رقم هزینه گذاشته شده برای یک مدرسه یا یک تکه راه و قریه ما این را تصویب کردیم یعنی هزینه را تصویب کردیم باعتبار حسن پیش بینی دولت یعنی چه؟ یعنی میدانیم که بموقع درآمدی که باید تکفوی این هزینه را بکنند به صندوق و خزانه ریخته خواهد شد ما این مجموعه را تصویب میکنیم ما این سیاست را تصویب میکنیم حالا شما بفرمائید رقم هزینه فرض کنید ۱۰۰۰ است برای ساختن یک متر راه این را تصویب کردیم مجلس تصویب کرد حالا باید بموزارت راه گفت

این ۱۰۰۰ را برای شما تصویب کردیم بگیرد راه را بسازد این رابطه مسئولیت ما هست با مجری ولی بعد از این بودجه ما هیچ نوع رابطه و مسئولیت با مجریان نداریم، اگر فرمودید بر اساس تخصیص، تخصیص که عرض کردم روش اجرائی است من نمیگویم که اجرا بر اساس تخصیص نباشد نه این یک کار فنی است بر اساس تخصیص باشد من میگویند بنده این وسیله نظارت ماست بر دستگامها بسیار خوب ما در روش اجرائی هیچ حرفی نداشتیم ولی روش اجرائی شما را اگر تصویب کردیم از دو حال خارج نیست یا باید سندی را که ملاک مسئولیت است آنرا به تصویب قوه مقننه برسانید که آن سند تخصیص ملاک مسئولیت باشد یا اینکه باید بفرمائید این یک نوع اختیارات است ما اختیار میگیریم که بودجه را به هر شکلی که توانائی داشتیم و خواستیم اجرا کنیم از این دو یکی باید مفهوم این لایحه باشد اگر سند تخصیص آن چیزی را که مجلس از شما میخواهد این ارقام است بشرطی که بتواند ملاک مسئولیت باشد قبول داریم اگر میفرمائید نه این ارقام ملاک مسئولیت نیست صورت های تخصیص ملاک مسئولیت است هیچ اشکالی ندارد صورت های تخصیص را بیاورید به تصویب مجلس برسانید آنچه می بینیم که مسئولیت است از بودجه عبارت است از آن افلامی که بتواند در ردیف هزینه ایجاد مسئولیت بکند آن افلام را اگر در این بودجه نیست در سند تخصیص هست پس باید سند تخصیص نه تصویب قوه مقننه برسد این استنباطی است که در این مورد هست و اما ممکن است بفرمائید که چون ما قبلاً دفتر بودجه نداشتیم و چند سالی است که دفتر بودجه داریم و این مکانیسم تخصیص هم یا از ابداغات دفتر بودجه است یا کاری است که دفتر بودجه میکند و حق قانونی است که میبکند در مورد حق قانونی عرض میکنم خیر دفتر بودجه موظف به تخصیص نیست آنچنان تخصیصی که برای قوه مقننه ملاک مسئولیت باشد و مجلس این اجازه را نداده است که بودجه مملکت بشکل تخصیص بوسیله دفتر بودجه تنظیم بشود در اینجا قانون طرز تهیه و تنظیم بودجه کل کشور هست آن عرض میکنم از تاریخ تصویب این قانون بودجه کل کشور تحت نظر

نخست وزیر تهیه و تنظیم میگردد و نخست وزیر مسئول آن
 میشود و عبارات قسمت دومی که میگویید دفتر بودجه در
 سازمان برنامه تشکیل میشود ولی قسمت اولی که حکم
 میکنند و بفرستند تعیین میکنند همین قسمت است که تهیه و تنظیم
 و در اینجا هیچ صحبتی از تخصیص نیست سابقاً در وزارت
 دارایی بودجه را تنظیم میکردند و مصلحت این بود که
 شیوه های و عمل شود و جای دیگر این کار انجام بگیرد و
 زیر نظر مستقیم آقای نخست وزیر باشد بسیار خوب اینها
 مورد قبول ولی اینکه روش اجرای این دفتر جانشین
 مجلس شود این صحیح نیست بهر حال این را عرض
 میکنم آن سندی که در لحاظ مجلس ملاک مسئولیت میتواند
 قرار بگیرد سندی است که افلام هزینه اش ملاک مسئولیت
 باشد دیگر بودجه شما افلام هزینه اش ملاک مسئولیت
 هست هیچ عرض و یا سخنی نیست کلمه تخصیص را بر دارید
 لایحه شد هم صلاح میشود و کار بر روال اصلیش می افتد و
 اگر عقده شما این است که باید بجای بودجه یکساله
 بودجه جزئی تری در طول سال در دو یا سه بار تنظیم شود که
 سه بار سند تخصیص گذاشته اید آن سند تخصیصی باید
 به تصویب قوه مقننه برسد که میتواند ملاک مسئولیت قرار
 بگیرد من البته انتظار داشتم که چرخه تکلیف بسیار شافی
 خواهد بود که جناب آقای نخست وزیر و کلیه وزرا در تمام
 طول سخنرانی اینجا تشریف میداشتند ولی انتظار یعنی
 آن بودم این بود که از اول این بحث جناب آقای نخست وزیر
 تشریف میداشتند که چه بکلام اشاره برای ایشان کافی است
 و تمام نکات عنایت پیدا میکنند من در اینجا خواستم
 بحثی مطرح کنم شاید باعتبار خصوصیات اخلاقی و باعتبار
 میزان انصافی که در جناب ایشان سراغ دارم آن اینست
 که این روال سبب نشود که قدرت دفتر بودجه بر تمام
 سازمانهای اجرائی غلبه و تسلط پیدا کند ممکن است بفرمایند
 که همه ما همکار هستیم همه ما هر وقت هر دفتر یا سازمانی
 تشکیل دادیم منظور این بود که کارها بهتر گردش پیدا کند
 و جریان کارها دقیق تر شود تمام این نکات ممکن است در پاسخ
 من گفته شود یعنی خلاصه اینکه ممکن است که بخواهند
 یا با اینکار را بر حسن نیت بگذارند و بفرمایند درست است
 سند اصلی بودجه که عبارت از سند های تخصیص است
 اینجا به تصویب و رؤیت مجلس شورای ملی نمیرسد ولی

نخستین اطمینان داشته باشید که ما این کار را با حسن نیت انجام
 میدهیم اینجاست که من میخواهم بیک نکته بسیار اساسی
 توجه کنید و آن اینست که روال انقلاب ایران روال کار
 شاهنشاهی ایران همواره بر این بوده است که کارها در مسیر
 قانونی آنها انجام بشود و متکی به ضابطه حسن نیت باشد
 ضرب المثلی هست که میگویید جهنم با سنگ های حسن
 نیت فرش شده ما انشاء الله میخواهیم بهشت بسازیم نمیخواهیم
 جهنم بسازیم از این جهت است که باید بر یک اصل کلی توجه
 کنیم و کارها بر پایه حسن نیت تنها نباشد حسن نیت بسیار
 عامل مقدسی است اطمینان و اعتماد عامل بزرگ کسب و
 چرخه مجالس مقننه وجود دارد چرا قانون اساسی وجود
 دارد تمام اینها برای اینست که علاوه بر حسن نیت ضوابط
 و ملاکها و روابط دیگری هم مستقر باشد اینها را بگوئیم
 چون دولت دولت حزبی است که شما اکثریتش را دارید و
 بهر حال رأی میدهید یا ما بگوئیم که حکومت حکومتی
 است که در رأس آن شخصی قرار گرفته که دقیق و با
 انصاف است پس بآنکه این خصوصیات بجای اینکه سند
 اصلی بودجه را مجلس تصویب کند ما بیک چهار چوب
 رو بایستی تصویب کنیم سند اصلی را دفتر بودجه تنظیم کند
 چون اعتماد داریم حسن نیت هست این صحیح نیست این
 از ملاک و ضابطه اساسی کار مجلس شورای ملی در چهار
 چوبه و قانون اساسی خارج است در اینجا کار باید بر اساس
 همان روابط و مقررات و قوانین باشد که تا کنون نافذ و
 جاری بوده است سند بودجه بنا همان خصوصیات باید به
 تصویب مجلس شورای ملی برسد با همان الزاماتش باید به
 تصویب مجلس شورای ملی برسد و روش های نو بکار بستن بسیار
 خوب است ولی قبل از آنکه نافع قانون باشد باید آن
 روش های نو را بشکل لوابی در آورد دلایش را گفت به
 تصویب قوه مقننه برسانید بعد بر اساس آن عمل کنید شما برای
 دفتر بودجه اختیار بگیرید یعنی همان چیزی که اسمش
 را گذاشته اید تخصیص و من اسمش را میکذارم بودجه واقعی
 که افلامش برای اجرا کننده ملاک مسئولیت است اختیار
 مجلس شورای ملی داده بشود بآن دستگاه حرفی نیست
 اگر این کار منطبق دارد دلیلی ندارد که اختیار مجلس
 را در قسمت نظارت بر بودجه بگیرند بدهید

دفتر بودجه بگوئید و دفتر بودجه این کار را
 بگذرد ولی مادام که قانون مجاسات عمومی بشکل فعلی
 مجری است و مادام که سنن پارلمانی ایران و خصوصیات
 قانون اساسی بشکل فعلی مستقر هست بودجه باید عبارت
 از سندی باشد که در یک برهه از زمان پیش بینی کنید
 هزینه و درآمد را بر بنه اش ملاک مسئولیت باشد میفرمائید
 یکساله نمیشود پیش بینی کرد حرفی نیست بودجه میتواند
 در برهه زمانی کوتاهتر تنظیم بشود من وارد این خصوصیات
 اجرائی نمیشوم این وظیفه و کار من نیست وظیفه و کار ما
 اینست که آن سندی را تصویب کنیم که افلام هزینه اش
 ملاک مسئولیت باشد و از مسئولش بشود پرسید که تو این
 مقدار اعتبار هزینه داشته ای چرا بکار نبردی و چرا از این
 هزینه در راه برنامه هائی که بوده استفاده نکردی و
 برنامه ها را اجرا نکردی و او در برابر ما نتواند بگوید که
 سند تخصیص مرا محدود کرد و خواستم و بمن ندادند این
 سلب حق است از مجلس نکته دیگر در دفاع از این امر
 تخصیص گفته شده است که ما میخواهیم بکمک توش
 تخصیص بلکه بتوانیم پیش بینی های دقیق تری بکنیم
 که منجر بشود با ایجاد یک حجم از صرفه جوئی که ما
 میتوانیم این صرفه جوئی را صرف بر نامه هائی بکنیم که همه
 شما پشتیبان و راغب هستید و صرف بر نامه عمران روستائی
 بکنیم اینجا عرض میکنم ما با تصویب لایحه با تصویب
 جدولها در واقع شاید همه مافروست این را نداشته باشیم
 بالازم نباشد تمام افلام بودجه را بخوانیم یا همه شما تمام
 افلام بودجه را دقیق و ناقص آخر خوانده اید؟ و دانه دانه
 آنها را قلمباص تصویب کردید؟ این کار که امکان ندارد پس
 ما چه تصویب میکنیم؟ اگر پیش بینی بشود که طی سیال
 آینده در این بودجه ۳۳۳ میلیاردی قبلاسه میلیارد میشود
 صرفه جوئی کرد این ۳۳۳ میلیارد را میشود در عمران
 روستائی صرف کرد اگر این پیش بینی ها منطبق بر
 واقعیات است بگذارید در بودجه و این سیاست شما را
 مجلس تصویب کند چون وقتی بودجه بشکل متعادل
 تصویب میشود معنیش از نظر ماعرض نمیکند از نظر شما
 که اکثریت هستید و تصویب میکنید اینست
 که تعادلی را تصویب بکنید اگر شما میخواهید از

شکم افلام بودجه این سه میلیارد را برای عمران
 روستائی بیرون بکشید این را باید مجلس در هنگام
 تصویب بودجه بداند و این سیاست را تصویب کند یعنی
 کسر را با صرفه جوئی را با تعادل را این را باید مجلس
 هنگام تصویب بودجه بداند و تصویب کند و الا اینکه
 بگوئیم ما یک قالبی به تصویب شما میرسانیم که افلام هزینه
 ملاک مسئولیت نیست بعداً قطعه قطعه قسمت قسمت
 بموجب سند تخصیص ملاک مسئولیت مجریان را تعیین میکنم
 و از یک قسمتش پس انداز میکنیم و در جهت هائی دیگر که
 نوعاً خوب است خرج میکنیم، این درست نیست البته
 عمران روستائی تعلیمات اجباری - تعلیمات ابتدائی
 خوب است هیچکدام این افلام بودجه بد نیست جز بعضی ها
 که زائد است با قایل اینست که بیشتر صرفه جوئی کرد
 ولی بقیه اش بهر کاری که بزیاید شما از این بودجه صرفه
 جوئی کنید و بهر زخمی بزید خوب است ولی اگر قرار باشد
 که ما در اینجا رقم کلی را تصویب کنیم و اختیار اجرای آنرا
 بدهیم بدستگاه اجرائی آنوقت روال دیگری میگردد
 یک رقم کلی هزینه داریم و طرز اجرای را دولت میداند
 خودش میداند چگونه اجرا کند و چه موقع اجرا کند
 از کجا بگیرد و بکی اجازه مصرف بیشتری بدهد این را خودش
 میداند و یک چنین چیزی را نه شما از لحاظ یک حکومت
 حزبی نمیتوانید قائل باشید که سند بودجه باین شکل کلی
 تصویب مجلس شورا برسد و نه قوه مقننه میتواند اینقدر
 نسبت بوظایف اجرائی هر دستگاه وحد مسئولیت هر
 دستگاه بسی اعتنا باشد اگر واقعاً پیش بینی بشود
 که از این ارقام یک رقم بزرگ با کوچکی بعنوان صرفه
 جوئی کنار کشید و در رقم دیگری بکار برده این را بعنوان
 سیاست بودجه خودتان عرضه میکنید مجلس تصویب میکند
 و بعد در مرحله عمل آنرا بموقع اجرا بگذارند این روش
 که ما کلید هر فعالیت اجرائی را بدفتر بودجه بسپاریم از
 لحاظ روشهای اعلام شده و تبلیغ شده از طرف حزب شما
 مغایرت دارد و آن روشها عبارت از این است که شما ساهلها
 است تبلیغ میکنید ما هم تاحدی در این تبلیغ با شما هم
 عقیده هستیم که ما میخواهیم این تمرکز نیروهای اجرا
 کننده را از بین ببریم، تفویض اختیار بیشتری بکنیم

مسئولین که باید کارها را انجام بدهند، تفویض اختیار بیشتری بکنیم. بسطط شهر ستانها، بسطط استانها و بین دستگاههای مختلف که اینها بتوانند قدرت اجرایی خودشان را بهتر و کاملتر بکار برند، این سیاست صحیحی است ما هم همین اعتقاد را داریم، ما هم اعتقادمان این است که از لحاظ برنامه ریزی و تقسیم در سطح کلی مملکت يك تصمیم قاطع وجود داشته باشد ولی بعد از آنکه در سطح برنامه ریزی برنامه جامع ملی تنظیم شد، برنامه‌های که تمام خصوصیات برنامه‌ها را داشته باشد، یعنی برنامه اقتصادی و عمرانی و خصوصیات سیاست برنامه‌ها هم اضافه شده باشد یعنی سیاست رفاهی بان معنی که عرض خواهم کرد و سیاست داخلی و خارجی و سیاست فرهنگی، اینها هم در آن منظور شده باشد، بعد از اینکه تصمیم یکجا و متمرکز در مرکز گرفته شد، آنوقت يك سیاست عدم تمرکز اجرایی وجود داشته باشد و آن مسئولی که در سطح استان و شهرستان نشسته است از آغاز کار برنامه و اختیارانش دقیقاً با او تفهیم شود و تمام اعتبار اینکه لازم است در اختیارش گذاشته بشود، در این روش ما ما هم هم عقیده هستیم، اما مکانیسم تخصیص شما معارض با این روش است، چون اگر تا کنون مسئولین که بر اساس بودجه مصوب تعهد میکردند آنها منتظر این بودند که شما بودجه سالیانه را ابلاغ کنید بر اساس آن تعهد میکردند و وظایف خودشان را انجام میدادند حالا میدانند که تصویب بودجه از طرف مجلس شورای ملی کافی نیست و باید بنشینند و انتظار بکشند تا سند تخصیص از طرف دفتر بودجه با آنها ابلاغ بشود و این معارض آنست. شما همکاران عزیز باید باین نکته عنایت و توجه داشته باشید که در میان هر ملتی همانطور که ویژگیها و خصوصیات و خصایص خوب و نیکوئی هست، ممکن است که بدیهائی وجود داشته باشد، ممکن است اعمال نظرها و مخرضهائی وجود داشته باشد، ممکن است این زمان این قانون را که میگذرانید شما هم عقیده دارید که خوب اجرا میکنند، ولی این میشود رویه قانونگذاری. در یک زمان دیگر در يك کشور دیگری می‌بند به این سندی که ما تصویب کردیم بعنوان يك فوه مقننه انقلابی نمونه استناد میکنند میگویند همانطور که مجلس ۲۲ ایران تصویب کرد شما هم تصویب بکنید

آنها هم اساس تخصیص را تصویب میکنند. فردا دفتر بودجه از یکی خوشش می‌آید تمام سند تخصیص او را تمام بودجه سالش را روز اول ابلاغ میکند از یکی خوشش نمی‌آید آخر سال بودجه سه ماهه اول سال را ابلاغ میکند. همه دستگاهها مثل دستگاهها دقیق و منظم نیست و ممکن است دستگاههایی هم باشد که از این رویه استنتاج صحیحی نکنند آنچه که من اعتقاد دارم این است که يك ارکستر افرادی که برای خودشان، همیشه يك سنتهائی دارند. مثلا تمرین خودشان را کرده‌اند رهبر ارکستر فقط از کسرترا هم آهنگ میکند ولی ما نباید بطرفی حرکت کنیم که ارکسترهای بی‌نت وجود بیاید که تمام نگاهها بشان بسوی دست رهبرشان باشد که بینند او چه می‌زند او چه دستور میدهد و آنرا بزنند تخصیص اعتبار و موکول کردن ارقام هزینه بنظر دفتر بودجه، در حکم اینست که هر يك از دستگاهها آن زمانی میتوانند فعالیت خودشان را شروع بکنند که دستگاه مرکزی بودجه با آنها اشاره میکند و سند تخصیص را در اختیارشان میگذارد، در صورتیکه راه تکامل و ترفی این است که هر مسئولی بخوبی وظایف خودش را بداند و بخوبی برای اجرای وظایفش آماده شده باشد و بخوبی بتواند امکاناتی را که لازمست برای اجرای وظایفش در اختیارش داشته باشد و حقیقتاً بتواند هماهنگی و توازن را برقرار کند. از آن گذشته اگر قرار است سند اصلی بودجه، سند تخصیص باشد بودجه سالانه فقط يك چهارچوب و قالب کلی باشد، چه ضرورت دارد ما خودمان را در این ارقام کوچک محصور کنیم. پس باید افلا سند بودجه را بر اساس آرزوهایمان تنظیم کنیم، تمام اعتبارات لازم را برای تعلیمات اجباری بگذاریم، تمام اعتبارات لازم را برای مبارزه با بیسوادی بگذاریم، تمام اعتبارات لازم را برای تبدیل سیاست آموزشی کشور بیک سیاست آموزشی صحیح بگذاریم تمام ارقام لازم را برای تعلیمات حرفه‌ای بگذاریم، هر چه آرزومان هست در بودجه بگذاریم، چون این که ملاک اجراییست و بعد دفتر بودجه بر اساس پیش بینی‌های خود، سند تخصیص را خواهد نوشت و در اختیار مجری خواهد گذاشت. پس ما چرا خودمان را در این ارقام محصور و محدود بکنیم این جا اصول کلی یا کلمه تخصیص

ازین رفته است ما چرا خودمان را در این محدود بکنیم (دکتر حکیم شوقتری - از زاویه دیگر اگر ببینید اینطور نیست) خوب بالاخره منظور از تعاطی نظر چیست؟ ما آنطرف نشسته‌ایم، از این زاویه می بینیم، آقایانی هم که در وسط تشریف دارند از زاویه‌ی دیگری می بینند و تعاطی این نظرها و افکار، اثر صحیح را خواهد گذاشت. من تردید ندارم، من هر چه را که نگاه میکنم از يك زاویه می بینم، شما هم همینطور بهر حال هر گاه به جدول تلفیق درآمد و هزینه، توجه و عنایت بفرمائید، رقمی را ملاحظه میکنید که از درآمد برنامه در نظر گرفته شده است رقمی که از درآمد برنامه در بودجه هست و همانطور که میدانید باعتبار آن و بانگ آنگاه این ارقام برنامه‌هایی معین شده است، باسم برنامه عمرانی چهارم که هر سال برای اینکه جمع کلی درآمد و هزینه مملکت در سطح کلی نمایش داده شده باشد، در بودجه منعکس میشود. این رقمهای اعتبار عمرانی بر حسب وظایفیکه باید با هزینه آن انجام بشود، بین دستگاههای مختلف تقسیم شده ولی ارقامی را که شما در جدولهای بودجه بعنوان اعتبار عمرانی ملاحظه میفرمائید اینها واقعت نداشتند یعنی آن قلمهاییکه گذاشته شده است، بدان دستگاهها داده نخواهد شد. سبب چیست؟ سبب این است که برنامه عمرانی چهارم که از طرف برنامه گذاران شما تنظیم شده است بعلت اینک پیش بینی‌های آن، تخصیص اعتبارات و آن تنظیم برنامه‌های آن منطبق بر واقعیات نبوده است (دکتر یزدان پناه - این را نفرمائید) باین دلیل شما هر يك از اقلامی را که در ردیف درآمد برنامه در بودجه امسال گذاشته شده است بد نیست توضیح بخواهید و جواب داده خواهد شد که این قلم امسال پرداخت نخواهد شد (عده‌ای از نمایندگان - صحیح است) برنامه یعنی چه؟ یعنی يك سلسله پیش بینی. این پیش بینی‌ها را کردید ولی متأسفانه مهمترین چیزهایی را که باید پیش بینی بکنید از نظر دور داشته‌اند. بعد از آنکه ارقام خودتان را در تمام جدول‌ها خرد کردید ولی شما ناگزیر هستید بشعب واقعت و بخواست رهبری انقلاب آنچه را که پیش بینی کردید رویش قلم فرمز بکشید و آن اقلام را

درجائی هزینه کنید که جا دارد و شأن آن هست. این چه نوع پیش بینی است؟ این کاملاً صحیح است، میدانم که اعتبارات بر نامه عمرانی چهارم در سالیکه گذشت و امسال در مسیر بسیار لازم و مقدسی صرف میشود یعنی برای ایجاد ذوب آهن، برای ایجاد صنایع پتروشیمی، برای ایجاد شاه لوله گاز این بسیار صحیح است ولی برنامه یعنی چه؟ یعنی همین را پیش بینی کنید. بر نامه‌های سوم شما اقلامی را که در آن در نظر گرفته بودید تحقق پیدا نکرد برای اینکه بر نامه‌های لازم تری آنرا رد کرد، عرض میکنم بر نامه‌های لازم تری، اصلاحات ارضی و سیاهیان انقلاب آن برنامه شما را قطع کرد. چرا این پیش بینی را نکرده بودید؟ برای اینکه حزب شما بواقعیات انقلاب توجه نداشت (عده‌ای از نمایندگان - صحیح نیست).

مهندس صائی - برنامه اصلاحات ارضی مربوط به قبل از حزب بود.

دکتر الموتی - برنامه سوم در سالهای ۴۰ و ۴۱ تنظیم شده بود، قبل از انقلاب بود و بعد از انقلاب برنامه عوض شد.

خانم تربیت - این حرفهائی که میزنید درست نیست.

دکتر عاملی تهرانی - خیلی تشکر میکنم تذکرات خوبی فرمودید و مز اردش کردید عرض کردم البته تذکراتی که فرمودید يك مقدار آن را در هیاهوی شديده‌ی که بود نتوانستم بشنوم. نکته‌ای را جناب آقای مهندس صائی و آقای دکتر الموتی از وقت من استفاده کردند و سخنرانی فرمودند! (خنده نمایندگان) خیلی سیاستگزارم میفرمائید که برنامه عمرانی سوم در هنگامی تنظیم شد که حزب وجود نداشت (دکتر الموتی - خواستم شما را روشن کنم که قبل از انقلاب تنظیم شده بود و حزب ایران نوین نبود) بله حزب ایران نوین وجود نداشت، ولی حزب پان ایرانیست از سال ۱۳۲۶ وجود داشت از جنابعالی هم تشکر میکنم در آن موقع حزب ایران نوین وجود نداشت آن برنامه نویسه‌ها هم ناظر بر واقعیات نبودند برنامه را طوری تنظیم کردند که در مسیر عمل، واقعیات انقلابی

پیش آمد تا کرب قسمتی از اعتبارات منظور شده در آن برنامه سومی که شما مسئول نیستید حذف شد و آن اعتبارات تخصیص داده شد به فعالیت‌هایی که بر حسب انقلاب پیش آمده بود این کاملاً صحیح است اما برنامه عمرانی چهارم در زمان حکومت حزبی شما تنظیم شد و سال گذشته بوسیله اکثریت حزبی شما تصویب شد (صحیح است) افلام این که ناشی از پیش بینی کارشناسان دقیق و واقع بین شما بوده است، منعکس شد در شکم بودجه امسال و بموجب روشی که مبتکرش خود شما بودید که رقمهای برنامه را هم چون بودجه نشان بدهید و هاهم در این مورد گزارشات کردیم. امسال هم این رقمها که ناشی از پیش بینی های شما است در شکم این بودجه هست از دو حساب خارج نیست بخصوص که خود جناب عالی جناب العونی رئیس کمیسیون برنامه هستید این قلمهائی را که گذاشتید در این بودجه من تمنا میکنم جداول لایحه بودجه را لطف بفرمائید اگر این رقمهائی را که در ستون درآمدهای عمرانی گذاشتید و طرف امسال در همان جاهائیکه گذاشتید مصرف میشود و هزینه میشود من از شما بسیار ممنون و سپاسگزارم و این را شما بدانید که در یک قسمت از این افلام مرده غرب ایران هم چون آن شاهراه سقز - آواغلی ساخته خواهد شد از جنابعالی بسیار ممنون و سپاسگزارم ولی این شاهراهیکه حالا بعنوان مثال عرض کردیم در برنامه سوم منظور شد در برناجه سوم ساخته نشد شما میگفتید مسئول پیش بینی آن نیستید قبول میکنیم در برنامه چهارم منظور شد در کمیسیون بودجه که خود شما لطف کردید نمایندگان آذربایجان شرقی و غربی را دعوت کردید حضور پیدا کردند و گفتید مشکل شما چیست گفتیم مشکل اول آنها راه است برای اینکه هر اقدام دیگری هر سرمایه گذاری که نکنند باید راه داشته باشند باید راه داشته باشند تا سرمایه گذاری از آن تمام بشود کالا تولید میکنند ، رساندن نیاز از ایدارزان تمام بشود تا بتوانند به بازار عرضه بکنند آنجا گفتید بسیار خوب در برنامه اجرا نشد علتش این است که برنامه‌های انقلابی پیش آمد قطع کرد اعتبارات را بردید بجای دیگر ، انقلاب هم مورد نظر ما است تقدیس هم میکنم قبول کردیم برنامه

چهارم که پیش آمد در همان روز گفتند که این اعتبارات را برای این منظور میکنیم برای استان آذربایجان منظور میکنیم شما بدانید کارهای کاغذی این اعتبارات را در سال ۴۷ خواهیم کرد و در سال ۴۸ این راه ساخته خواهد شد معنای ساختمانش آغاز خواهد شد من میدانم کپی ساخته خواهد شد این را هم فرمودید رقم در بودجه سال گذشته بود توضیح خواستیم سؤال کردیم در مجلس شورای ملی گفتند این اعتبارات شما ابلاغ نشده رقم در شکم بودجه امسال شما هست ولی توضیح خواستیم می فرمائید این اعتبارات را سال آینده هم ابلاغ نخواهد شد پس فایده پیش بینی چیست؟ فایده خرد کردن این رقمها در توی این جدولها چیست فقط برای این است که جمعش درست باشد؟ فقط برای اینکه سه روز پیش با هم بخواند؟ حجم اعتباری را که در بودجه منعکس میکنید و از ما مجوزش را میخواهید بالا ببرید که ما بدانیم که روش حزبی شما صحیح باشد ولی اگر واقعاً این جمعها باید مبین یک واقعیتی باشد و این برنامهها در هر دستگاهی باید اجراء و پیاده شود اینطور نیست میفرمائید چه شده میفرمائید تخصیص اعتبار دادیم و با اینها نوشتیم نداریم و به برنامه دیگری دادیم ما عرضمان این است که این را که شما پیش بینی کردید ، هیچوقت استیجاب کنید سال اول و سال دوم اعتبارات برنامه برای این بود برنامه است و رقمهای دیگر سفید و خالی است راه نمیبازیم ، عمر آن روستائی هم ندیکیم بیارم که کوچکتری تخصیص میدهم مبلغ ۷ میلیارد گذاشتید هزینه جاری آبادانی و مسکن ۴۸۴۰۰۰۰۰۰ ریال هزینه عمرانی که حذف شده البته سه میلیارد و بیست و چهار میلیون و شصت هزار ریال در بودجه هست ولی وقتی توضیح خواسته شد این اعتبار عمرانی ماست ۳ میلیارد را گذاشتید خیلی خوشحال شدیم پرسیدیم این اعتبارات چه جور تقسیم شده به کجا داده شده فرمودند که تخیر این اعتبارات سال آینده داده نمیشود حکومت حزب شما برنامه گذاری، حزب شما پیش بینی حزب شما دفتر حزب شما جدولهای حزب شما همه اینها هست ولی واقعیت ندارد اجراء نمیشود در جای دیگر منظور میبود چه لزومی داشت که در این مقالات نوشته بشود چه لزومی داشت در این جدولها پیش بینی شود یعنی چه؟ یک چیزی

نویسیم ولی یک کار دیگری را بکنیم پس بودجه یعنی چه؟ پس برنامه یعنی چه؟ پس شأن نوشتن این بودجهها چیست؟ اگر ملاک مسئولیت نیست و موکول به تنظیم بودجههای مکرر است که خودتان بکنید پس شأن نوشتن برنامه چهارم چیست؟ اگر هیچکدام دلیل بر این نیست که برنامه‌های باید اجراء بشود و برنامه دیگری را خودتان اجراء میکنید، ما برنامه مقدس ملی داریم بلکه معتقد هستیم با تمام بگذاریم که این اعتبارات را برای اینکار پیش بینی میکنیم، این کار این مقدار اعتبار لازم دارد پیش بینی میکنیم و تخصیص میدهم و در جای دیگر نمینویسیم و در جدولی هم نمینویسیم طوری میشود؟ تخیر ولی اینطور که کردید طوری میشود عرض میکنم یکی از نکاتی که من در تعریف بودجه شنیدم این بود فرموده بودند در بودجه تعادلی هست این بودجه‌های عمرانی و بودجه‌های عملی را که امر و زمینفرمائید تعادل بودجه‌های بودجه عمرانی شما را از این میبرد ، من دو روز در خانه را مثال میزنم ، یکی آبادانی و مسکن و یکی وزارت راه ، وزارت آبادانی و مسکن در بودجه جاری دارد ۴۸۴۰۰۰۰۰۰ ریال در بودجه عمرانی دارد ۳۰۲۴۰۰۰۰۰ ریال هر بنه جاری یعنی چه هزینه جاری وزارتخانه یعنی هزینه ای که آن دستگاه را مجهز میکند برای اینکه بتواند وظایف خودش را انجام بدهد اگر شما هزینه مستمر و هزینه پرسنلی دستگاهی را پرداختید اما هزینه عملیات را نپرداختید چکار کردید؟ بیکارش کردید و آن هزینه پرسنل را هم که بهش پرداختید آنرا هم باطل کردید هر دستگاهی دو جور هزینه دارد ، هزینه عملیات و هزینه کادر هر جور اصطلاح میکنید ، هزینه کادر را میدید هزینه عملیات را نمیدید پس این دستگاه وجود دارد ولی هزینه کادر آن هم باطل است (صحیح است) وزارت آبادانی و مسکن هزینه کادر را دارد ولی هزینه‌های عمرانی که باید با آن کار صرف بکنند از آن گرفتند ، پس کادر را هم از آن گرفتند ، آن یکی برنامه دارد ولی اعتبارات عمرانی را که باید در آن کار صرف بکنند ، ندارد پس کادر را عاقل و باطل کردید البته هر مائید یک مقدار در هزینه اصلی خودش فعالیت دارد آنرا هم قبول داریم ولی در این هزینه‌ای که برای کادر خودش میکند آنچه را که باید صرف سر و پس دادن و نگار بردن و خرج کردن ۳ میلیارد بوده این را منظور نکرده

اگر چنین چیزی را منظور نکرده سازمان ناقص است ولی اگر منظور کنزید و امروز سه میلیاردش را نمیدید پس لاف آن بخش از سازمان که باید این سه میلیارد را هزینه کند عاقل و باطل بوده . مثال دیگر وزارت راه است ۱۵۰۷۱۴۲۰۰۰۰ ریال هزینه جاریش است ، ۷۸۷۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال هزینه عمرانی در اختیارش گذاشته نشود یک قسمت از این یک میلیاردی که بهش دادید باطل خواهد شد این هزینه عملیاتش است کادری خواهد شد فاقد عملیات هزینه‌اش بر باد میرود ، فلج میشود ، باید به نشانی بهمدیگر نگاه کنند این نتیجه این نوع بودجه تنظیم کردن است (صحیح است) (دکتر صدر - برای اضافه حقوق و ماشین‌های زیر پا ایشان هست) تخصیص اعتبار برای همین است و شما در اینجا این نکته را میدانید که ما دستگاه‌های دولتی را هیچکدام آنها را وقتی که با پرسنل تشکیل دادید ، با مقررات و سنن و عاداتی که دارند اگر کار گذاشتند شما نمیتوانید آن پرسنل را مرخص کنید ، دستگاه وزارت کار یک تعداد پرسنل دارد پیش بینی شما این بوده که این پرسنل آنچنان مجهز باشد که در سال ۴۸ بتواند ۷ میلیارد ریال هزینه بکند اما این ۷ میلیارد را نمیدهند ، یا آن موقع که تنظیم میکردند با سازمان میدادند عمل اشتباهی انجام دادید و برای هزینه ۷ میلیارد هیچ نوع پیش بینی نکردید ، که این خودش یک کار غلطی است و امروز این پول را بهش نمیدید و او نمیتواند هزینه کند و بیکار میماند و این یک کار غلطی است . تخصیص اعتبار این اشکال را دارد که نمیتواند باید یک قسمت از این دستگاه را بطور موقت بیرون کند و یکسال هزینه‌هایش را تقلیل بدهد این امکان را ندارد ، چرا این مطلب را میفرمائید در حالیکه شما هر موقع خواستید از این مؤسسات بازرگانی و انتقاعی دولت دفاع کنید با این منطق متوسل شدید که ما میخواهیم مؤسسه بازرگانی تشکیل بدهیم که تا موقعی که فعالیت بود ، پول پرسنل را بدهیم ، تا فعالیتش را هم بکنند و از روزی که فعالیت قطع شد پرسنل را مرخص میکنیم این کار را در دستگاه اداری دولت نمیتوانیم بکنیم زیرا مقررات

وقوانین اجازه نمیدهد ولی در دستگاه بازرگانی میتوانیم این کار را بکنیم، فلسفه‌اش را اینطور فرمودید بنابراین تخصیص اعتبارات شما نمیتواند وزارت راه را مثل ملک فانوس بازه بسته بکند که هر وقت کار داشت ۷ میلیارد بدهید، برود هزینه بکند و هر گاه ۷ میلیارد را ندادید روی خودش جمع بشود و از هزینه کادر خودش نگاهداری بکند. که میدانید بسیاری از اقلام در آمده‌ها در سال آینده به دستگاههای مربوط ابلاغ نخواهد شد پس بفرمائید نشان بدهند آن مقداری که از بودجه عاقدیشان کم کردند (دکتر بزدان پناه - پانهای هم انجام شده و توضیح داده خواهد شد) عرض کردم اگر این هفت میلیارد را توضیح بفرمائید خیلی خوشحال و سپاسگزار میشوم این ۳ میلیارد را به وزارت آبادانی و مسکن خواهید داد بسیار سپاسگزار خواهیم شد و همینطور اگر سایر اقلام را که در ستون وردیف بودجه گذاشته شده توضیح بفرمائید که مؤسسات وابسته خودش خواهید داد، بسیار سپاسگزار میشویم ولی با کمال تأسف باید عرض کنم اینها داده نخواهد شد چون صرف کار واجتبری میشود کار واجتبر را قبول داریم ولی میگوئیم که شما پیش بینی کار واجتبر را نکردید، این راه شما قبول بفرمائید پس بودجه شما يك پیش بینی واقعی نیست، برنامه‌تان پیش بینی واقعی نیست (صاحب است) يك نکته‌ای در این جدول تلفیقات هست که بازم مغایرت دارد با آن اصل تعادل بودجه عادی و بودجه برنامه‌ای و آن عبارتست از این رقم ۱۱/۴۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال این رقم را اگر شناخت بفرمائید رقمی است که بعنوان هزینه طرحهای مستمر عمرانی از بودجه عمرانی کشور کم و به بودجه عادی کشور اضافه شده در صورت تطبیق بخوبی نمودار هست که در يك طرف کم کرده و يك طرف را اضافه کردند عنایت بفرمائید که این ۱۱ میلیارد به نسبت ۱۲ میلیارد تقریباً است یعنی منبع تأمین یکدهم از بودجه عادی دستگاههای شما درآمد سازمان برنامه است در روز اینجا اشاره فرمودند که بسیاری از اقلام صرف هزینه پرسنل میشود پاره‌ای از دوستان مثل اینکه عنایت نفرموده بودند این جدولها را نگاه نکرده بودند مورد اعتراض بود من میخواهم در اینجا نشان بدهم بعضی از اقلام را که صرف هزینه‌های پرسنلی میشود

کمک به هزینه‌های اداری و پرسنل طرحهای گراهای کمک به هزینه‌های پرسنل اداری راههای فرعی، کمک به هزینه‌های پرسنل اداره هواشناسی و کمک به هزینه‌های پرسنل اداری ارتباطات پستی و تلگرافی کمک به هزینه‌های پرسنلی و آموزشی شورای عالی شهرسازی کمک به هزینه‌های اداری و پرسنلی آموزشگاه عالی آباد کمین فارس، کمک به هزینه‌های پرسنلی مراکز کشاورزی، خوب انشاء الله کافی است، پس صرف هزینه‌های پرسنلی هم میشود ولی اساساً منطق برنامه عمرانی یعنی چه؟ منطق برنامه عمرانی یعنی يك كشوری، يك قسمتی از درآمد خودش را کنار بگذارد و صرف کارهای جاری بکند صرف برنامه‌های عمرانی بکند بنحوی که بعد از مدتی دستگاههای عادی بر اثر اجرای آن برنامه‌های عمرانی آنقدر توانائی پیدا بکنند که بتوانند بار وظایف سنگین تری را بدوش بکشند من قبول دارم بسیاری از طرحها هست که اینها باید هزینه‌اش یکبار از طرف سازمان برنامه داده بشود و گردش آن بوسیله دستگاههای عادی باشد و مجموعه این عملیات باید بدستگاههای عادی کشور استمداد و توانائی بدهد که بتوانند محصول برنامه‌های عمرانی را بهره برداری کنند، حفظ کنند این منطق اساسی برنامه عمرانی است و الا اگر قرار بر این بود که بودجه عمرانی هر يك از این کارها قسمتی سیال بسال سرازیر میشد به برنامه عادی این دیگر برنامه ریزی لازم نداشت، برنامه عمرانی نمیخواست، تا امسال فعالیت های حزبی شما و حکومت حزبی شما کار را به اینجا رسانده است که پنج از درآمد عادی کشور را از محل عواید عمومی بودجه تأمین میکنید این نشانه این هست که این تعادل در محتوی سالها وجود نداشته اگر وجود میداشت ما کم کم باید يك مسیر بر عکس میداشتیم یعنی يك مقدار از عواید و درآمدهایی از بودجه عادی کشور سرازیر میشد به بودجه عمرانی کشور پس زمان اینگونه برنامه نویسی گلوبال که حتماً باید گفت يك بودجه نویسی گلوبال يك رقم کلی است ما تصویب میکنیم شما کالاس مانند هر طور خواستید آنرا بر اساس تخصیص اعتبار در اختیار سازمانهای اجرائی میگذارید چقدر میگذارید ما نمیدانیم (دکتر طالع - احتیاجی هم ندارد

که بدانند) آنچه‌ی که ملاک مسئولیت است آنرا باید بدانید بهر حال این کلیاتی بود که در مورد ماده واحده و روز تخصص و بالاخره يك اشاره‌ای به جدول تاقیقی لازم بود عرض برسانم بحث دیگری را که باید پیرامون آن شما می شرح بدهم مسائل مربوط به آموزش و پرورش است اول فصل از برنامه‌های آموزش و پرورش بیکار بایسواد است در همین جا عرض کنم که ما در اینجا سیاست را مطرح میکنیم ممکن است که در این جا بفرمائید که مبارزه بیکار با یسواد بوسیله يك مؤسسه غیر دولتی صدی و هدایت میشود سخنی نیست ولی بالاخره دولت مسئول اجرائی سیاستهاست هیچ فرق نمیکند آن قدمت فعالیت که بوسیله بخش دولتی باشد یا بوسیله بخش خصوصی باشد یا بوسیله سازمانهای عام المنفعه باشد ما از سیاست صحبت میکنیم سیاست بیکار با یسواد یکی از ویژگیهای انقلاب ایران است امری است اعلام شده از طرف شاهنشاه آزماهر و مورد قبول همه ما هست امری است که باید مورد يك ارزیابی دقیق و شاید جدید قرار بگیرد بیکار با یسواد بمنظور آن است که انبوه یسوادان این کشور تعلیم ببینند و اول سواد خواندن و نوشتن پیدا کنند باعتقاد من بیکار با یسواد تنها این نیست که کلاسهای راجع به یسواد بدهیم بیکار با یسواد باید بعنوان يك محور هدایت تلقی شود یعنی برسیم که یسواد از کجا میاید چون ما میخواهیم بیکار با یسواد بکنیم و شرط اول اینست که دیگر بر مجموعه یسوادها در سالهای آینده چیزی افزوده نشود دوم اینکه چرا برنامه بیکار با یسواد اجرا میشود چرا باید سه‌اد داشته باشند برای اینکه بتوانند بکارهای تولیدی اقتصادی جذب بشوند و سواد آنها منشأ برکت و افزایش تولید درآمد ملی باشد پس اگر ماضراً بیکار با یسواد را در چهارچوب کلاس سازی مورد بررسی قرار بدهیم و به عوامل مبارزه کننده این سیاست بطور کامل توجه نکنیم واقعاً برنامه بیکار با یسواد را اجرا نکرده‌ایم بیکار با یسواد زمانی میتواند انجام بگیرد که در سطح کودکان در سالهای آینده یا طی دوره معینی جمعیت جدید آن اضافه نشود بیکار با یسواد

صفحه ۲۵
میتواند از سیاست تعلیمات اجباری جدا باشد ما از يك طرف میتوانیم برویم چند نفر را از سنن بسالاً بزمحت بگیریم بیاوریم برسیم سر کلاسها به نشانیم ولی فردا اگر بچه‌ها را بردند مدرسه قبولشان نکنیم و بسگوئیم برای شما چناندریم پس مبارزه بایسواد لازم است بوجه کاملی است به پیاده کردن تعلیمات اجباری این شرط اولش است (روحانی - بفرمائید تعلیمات عمومی) تعلیمات عمومی به مجموعه تعلیمات میگویند که نسبت به معلومات مختوم به شغل در حکم پایه است، یعنی حتی تعلیمات دانشگاهی وقتی به سطح تخصصی نرسیده ساز تعلیمات عمومی است اگر نظر جناب عالی این است میخواهید تمام افراد این کشور را بطور اجباری یعنی بموجب همان قانون تعلیمات اجباری تا مرحله دانشگاه اجبار کنید ما نظر جناب عالی را تقدیس میکنیم ولی اگر نظر تان جز این است اجازه بدهید تعلیمات عمومی معنی و مفهوم خودش را داشته باشد تعلیمات اجباری هم معنی و مفهوم خودش را (مهندس ارفع - آموزش همگانی) اگر من بخواهم بگویم من اسمش را میگویم تعلیمات پایه کما اینکه تمام معلومات مختوم به شغل تاهر پایه وسطی که باشد اسمش را تعلیمات ویژه میگذارم و فکر میکنم تقسیم بندی بجائی باشد بهر حال ما قانونی داریم بنام قانون تعلیمات اجباری اگر اسمش قانون تعلیمات عمومی است من از شما معذرت میخواهم ولی مثل اینکه اجباری است بهر حال بحث این بود که تعلیمات اجباری بحثی است که قبول کردم در این راه باید هزینه صرف کنیم در این راه باید قبول خدمت هم بکنیم هیچ تردیدی نیست هر کدام از برنامه‌های ملی را بخواهیم پیاده بشود این دوکار را باید بکنیم هم باید خرجش را بدهیم هم باید زحمتش را قبول بکنیم ولی عرض میکنم که بیکار بایسواد يك محور است يك برنامه در قالب خودش نیست يك محور است ما این محور را يك اصل انقلابی میشناسیم محور بیکار بایسواد یعنی میخواهیم دیگر یسواد نباشد يك شرطش این است که تمام کسانی را که بدبستانها و مدارس بدبستانها پذیرند تا از راه کودگانی که نتوانند بدستان بروند

نداشته باشیم، این يك شرط اول است شرط دوم این است كه سواد يك هر تعبتی در دنیاى امروز نیست سواد برای این است كه بكار برود و نصف این همان نكته‌هاى است كه در اینجا در تعلیمات حرفه‌ای وارد در هر دو قسمت آن توجه كرد سواد يك وسیله است مثل يك مال است شما بگوئید كه ما میخواهیم برای عده‌ای مال بخریم، نیشه بخریم خیلی خوب خودتیشه خریدن و مال خریدن هیچ فایده ندارد باید برای آن عده مال و نیشه بخرید كه بروند با آن كار بكنند در بكار با سواد هم باید با آنها سواد بیاورید كه بروند از آن سوادشان بعنوان يك عامل كار استفاده كنند پس آن خدمات را مشخص مىكند كه چقدر بهشان درس بدهید آنقدر كه بتوانند بكار ببرند، كجا بكار ببرند؟ آنجا كه شما بانكای كشك دولت هستید بانكای كشك حزب اكثریت هستید سواد كجا برایشان كار ایجاد بكنید پس اگر میخواهید بكار با سوادى این متضمن يك محورى است كه از يك طرف باید جلوى سوادى آتى را سد كنید یعنی تعلیمات اجبارى را اجرا كنید از يك طرف هم باید يك كشت كار ایجاد بكنید در سطح روستاها و دو سطح شهرها در هر جا كه درس میخواهند بلافاصله بروند، بكارى مشغول بشوند كاری كه يك قسمت از آن بوسیله خواندن و نوشتن و حساب كردن كه بساد كرفته اند باید تا همین شود این سیاست مبارزه با سوادى است از این سیاست مبارزه با سوادى آنچه را كه ما در دفترهای بودجه شما میبینیم كوچكترین رقم دفتر بودجه است ۳۷۸ هزار ریال یعنی ۳۷ هزار تومان كه در بودجه برای جایزه با بكار با سوادى منظور شده است این تنها جای باوردن است كه در بكار با سوادى در بودجه شما هست سیاستهاى كه شما میخواهید بكار ببرید كه در سطح مملكت یا بنای با بكار با سوادى كار ایجاد بشود آن مقدار كار ایجاد بشود كه فرد نوسواد بتواند در شبکه‌ها كار بكنند كجا است؟ سیاست شما برای اینکه بعد از پنجسال دیگر تعداد سوادهاى كودك افزودم نشود آن كجا منعكس است (مصطفوى نائینى - صد میلیون اعتبار اضافى برای نوسوادان تعیین شده این را كه شما میفرمائید جایزه است) یعنی جناب عالی میفرمائید ۱۶۶ میلیارد و خردى اعتبار وزارت آموزش و پرورش برنامه اجرائى قانون تعلیمات اجبارى

تأمین شده است؟ اگر تأمین شده است من بشما و جز شما تبريك میگویم ولی خواهش میکنم يك مقام مسئول در اینجا بگويد همانطور كه آقای مصطفوى فرمودند ما این اعتبار را تأمین كردیم كه بعد از پنجسال بعد از دهسال بعد از ۱۵ سال، دیگر كودك بسواد جدیدى برخيل بسوادان اضافه نخواهد شد يك مقام مسئول این حرف را بمن بزند من از شما و از آن مقام مسئول و از دولت شما در این مورد خاص تشكر میکنم ولی چنین نیست ما داریم لایحه‌ای را بررسی میکنیم كه شاید بتوانیم در سطح بسوادهاى معمولی و فعلی كشور با يك كوشش فعالانهای در ظرف ده سال بسوادى را از زمین ببریم ولی بودجه شما، بما نوبت میدهد كه شما آن عده بسواد را از بین ببرید ولی بعد يك عده دیگری با آنها اضافه میکنید چه جورى؟ يك جور آن كودكان لازم التعلیمى كه دبستانهای شما نتوانسته بپذیرد این يكى، جور دیگری هم شما بسواد اضافه میکنید این كودك بسوادى را كه شما میروید بكسال در درس میدهد خواندن و نوشتن را با و با و بدهید حساب كردن را با و با و بدهید اگر بموازات این آموزش كار ایجاد شده بود جذب آن كشك شد سوادش بانش میماند چرا برای اینکه بكار ببرد كتاب میخواند (مصطفوى - سواد خواندن و نوشتن برای كار نیست برای زندگى كردن است) البته چیز تازه‌ای ميشنوم (مصطفوى - تازه نیست آنكه شما میفرمائید تعلیمات حرفه‌ای است) این نظر خیلی برای من تازگى داشت وزارت آموزش و پرورش هر روز باید معلمان بیشتری تربیت كند و در اختیار اجتماع بگذارد ولی تنها از بین بردن بسوادى و خواندن و نوشتن كافی نیست درك مطالب مهمتر است ایرانی باید درك كند كه امروز با فردا مملكت چه چیز احتیاج دارد و در چه رشته‌ای باید فعالیت كند در چه سمتى باید حثى فداكارى نماید (رضوى - این بدنبال سواد میآید) ناشى از همین است اتفاقاً همان نكته‌ای كه میخواستم رسيدم (محمد اسدى - آقای دكتر عاملی آن چند سطر را از كجا خواندید؟) این قسمتى از زبانان شاهنشاه آریامهر است من اتفاقاً همین نكته میخواستم برسم كه مبارزه با بسوادى يك امر انتزاعى نیست صرفاً

بخاطر اینکه كسى كه تا در روز نمیتوانست بخواند امروز بتواند، لذا اگر كسى اینطور مبارزه با بسوادى را بفهمد مثل نظر شب جمعه میشود كه يك كسى را ببرند و چند كده‌ی با و با بدهند و اگر چهار ماه بعد با و مراجعه كردند آنجوزى كجا بانش داده بودند اگر از بانش گرفته بود گفته شود كه هیچ مهم نیست اما هدف و منظور بكار با بسوادى این است بكار با بسوادى عبارتست از يك ضرورت زمانى كه تشخیص داده شده یعنی رهبر انقلاب ایران بكرات این را بیان فرمودند من اتفاقاً يك موردش را اینجا عرض كردم رهبر مغز انقلابى این نكته را درك میکند كه كشور ما يك حدی از رشد رسیده كه فردا تا كزیر هستیم در هر بخش در هر شهر و در هر روستا واحد كار ایجاد كنیم، واحد مواد ایجاد كنیم فردا كه شما بخواهید بروید واحد بكار را در سطح روستا بیاورید بكنید يك منقصت و نقصى بر میخورید و آن عامل بسوادى است این است كه امروز از يك مجرای دیگر اقدام میشود و شاید دليل اینکه بكار با بسوادى را بدولت شما محول نكردند ناشى از همین طرز فكر شما بوده، كه حالا در سطح روستاها در تمام مملكت بكار با بسوادى را شروع بكنند تا آنروزى كه انقلاب ما به آن حدی رشد بكنند كه بتواند شبكه كار را در تمام كشور بسط بدهد همان طرز كه عامل اقتصادى رشد میکند باید عامل دماغ و روان هم رشد كند و آن افراد بسوادى كه امروز از لحاظ شما افراد باطلی محسوب میشود كه خیال میکنند باید فرشان با در روز این باشد كه بتوانند فقط بخوانند و بنویسند آنها هم از يك طرف بروند در آن شبكه‌ها جا بگیرند و كار بكنند بنا بر این پیش بینی يك امر انقلابى اینست كه از يك طرف اقتصاد رشد پیدا كند و از يك طرف آموزش، خیلی از كسان را كه شما آموزش میدهید كه امروز بدرت نمیخورند پس شما باید فكر كنید كه فقط آموزششان مطرح است؟ نه آموزششان بعنوان يك عامل آماده كننده مطرح است این دو شاخه انقلاب ما است كه از يك طرف در زمینه اقتصادى سطح توسعه پیدا میکنند و از آن ساخته میشود

پتروشیمی پیدا میشود عوامل ایجاد كننده ثروت و سرمایه ملی تكوین میشود اینها باید دو مرتبه در این كشور سرمایه گذارى بشود آنوقت احتیاج نه آدم دارد كه با مواد باشد و برود در آن دستگاه كار بكنند برای پیش بینی این عامل آموزشى كه همیشه يك عامل مقدم پیش بینی باید باشد بكار با بسوادى مطرح شده اگر شما بكار با بسوادى را يك امر انتزاعى میدانید و خیال میکنید فقط درس دادن برای آموزش خواندن و نوشتن كافی است و هیچ كار دیگری و اثر دیگری بر آن مترتب نیست يك استنباط جدیدى است كه با روح انقلاب و بالا اقل با عالم رهبر انقلاب از زمین تا آسمان فرق دارد و من از این طرز فكر بی اطلاع هستم (رضوى - آقای دكتر عاملی بكار با بسوادى برای اینست كه بسواد شوند و يك بكار ملی است بقیادتش را دولت انجام میدهد) بهر حال من از درجه دیگری عرض میكردم شما مثل این است كه فرزندانى داشته باشید فرزندتان را میفرستید مثلا برود طب بخواند ضمن اینکه او طب میخواهد شما هم كم كم پولهاى استان را جمع مى كنید برای او يك مرصخانه یا يك مطب یا يك درمانگاه میسازید او را از يك طرف فرستادید درس بخواند و شما هم از يك طرف ساختمان میکنید كه بعد از اینکه او درسش را خواند بیايد توئ این ساختمان بنشیند و كارش را بكنند بكار با بسوادى يك چنین مجموعه و منظومه است از يك طرف مردم را درس میدهند و از طرف دیگر شبكه كار و تولید شما باید گسترش پیدا كند این دو تا وقتى بموقع بهم برسد كاری میشود نافع اگر شما فقط سواد داد پیدا كنید، این يك كاری میشود باطل آن مقدار سرمایه گذارى كه در سواد كردید باطل شده اگر شبكه كارتان را توسعه بدهید آدم بسواد نداشته باشید شبكه كارها باطل میشود پس آیندو چنگالى است كه باید با هم كار كند دو شبكه‌ای است كه باید با هم كار بكنند و از نمرات بكد بگر بر خوردار بشود اینکه عرض كردم بكار با بسوادى يك محور است بهمین دليل عرض كردم يك چیز انتزاعى نیست يك چیزى كه شما امروز مسئولیتش را بحكم اینکه زمام حكومت را در دست دارید و قبول

کردند و باید هر دو جنبه آنرا قبول کنید این جمعیتی که آماده میشود و سواد پیدا میکند شما باید کار آدم سواد را هم تهیه کنید و الا اینکه از این دو سرمایه گذاری و بلکه هر دو را بطل کردهاید حزب من هم همین است و اتفاقاً این بحث خیلی عقیده من برای منظوری که اول عرض کردم واقع است من گفتم يك سلسله تذکراتی را میدهم که هم معلوم میکنند که ما چه میگوئیم و هم معلوم شود که شما چه کار کردهاید تا حدی روشن شد حالا که ذهن نزدیک است به آن منظوری که میخواهم عرض کنم اجازه بدهید بپردازم به تعلیمات حرفهای و تعلیمات سطح دبیرستان متأسفانه با اینکه شما حکومت را در دست دارید حکومت حزبی قسداً نباید بر نامههایش بر خودش و بر مردم روشن و آشکار باشد در زمینه آموزش و پرورش ما با يك سلسله شایعات مواجه هستیم (صحیح است) یکی از آن شایعات این است که میگویند البته میگویند ولی نمیدانیم تا چه حد درست است میگویند میخواهیم دبیرستانها را تقلیل بدهیم حتی یکبار بخشنامه کردند که دیگر هیچ نوع توسعه‌ای در کلاسهای دبیرستانی ندهند اگر کلاس سوم را دارند چهارم را درست نکنند اگر دوم را دارند سوم را درست نکنند عرض کردم اینکار را نمیکنند میگویند (ماهیار - اینطور نیست) (دکتر طالع - همینطور است در تمام ایران هست در کدام روستا دبیرستان هست؟) (ماهیار - چرا داد و فریاد میکنید) (زنگ رئیس) بهر حال من نمیدانم اگر جناب ماهیار از میزان تأسیسات آموزش که در حوزه انتخابیه‌شان هست رضایت دارند هیچ چیز کسر ندارند دبیرستانهایی که لازم دارند از پسرانه و دخترانه تأمین است من بشما تبریک میگویم خیلی حوزه انتخابیه خوبی است که هر چه شما مدرسه میخواهید هست و هر قدر که لازم است که مدرسه‌های شما توسعه پیدا کند و وجود دارد شما خیلی سعادتمند هستید (ماهیار - ۹۰ درصد از اهالی آستارا با سوادند) خوب، الحمد لله عرض کردم شما خیلی خوش شانس هستید (بانو جهانبانی - توجه داشته باشید این پیشرفتی که شده چشم صدسال است

مداخله آموزش و پرورش هستیم داریم میبینیم بهر حال اگر اجازه بفرمائید من توضیحاتم را عرض میکنم و بعدم البته فرصت هست و امکان این هست چون بحث بودجه است و آزاد است آقایان که در حزب اکثریت هستند پشرف میآوردند اینجا آن اندازه که لازم است توضیح میفرمایند من زمینه کلی را عرض میکنم مسئله دبیرستانها و مسئله تعلیمات حرفهای يك سیاست خاص لازم دارد من این سیاست خاص را سعی میکنم توضیح بدهم اگر چنین است فها چه از این بهتر اگر آن اندازه که دبیرستان لازم است داریم خیلی خوب چه از این بهتر اگر دردیم جز این است آنوقت البته ما قبول میکنیم که نقیصه هست و باید بدنیال را مجلس برویم با قبول میکنیم این نقص هست آنوقت مالته میگوئیم شما بجنور میخواهید در مورد دبیرستانها این سیاست بود الا و امسال هست بازه من بحث نکردم این سیاست بود که از توسعه دبیرستانها در سطح شهرستانها جلوگیری شود وقتی میکنند چرا منطق این کار چیست گفته میشد دبیرستانها پشت میز نشین تربیت میکنند و چون کشور دیگر بیش از این احتیاج به پشت میز نشین ندارد ما باید جلوی دبیرستانها را بگیریم در مقابل آن تعلیمات حرفهای را بسط بدهیم و بجای دبیرستانها مدارس حرفهای ایجاد کنیم يك چنین مجموعه‌ای بعنوان عقیده، سلیقه یا هر چه دیگر اسمش را بگذارید بیان میشد در همین سیاست هست که میخواهم صحبت کنم و تذکراتی در همین مورد هست که باید داده شود اولاً باید این نکته را در نظر داشت که بلافاصله بعد از اینکه يك دبیرستان عادی در يك محل بسته شد بدلیل مختلف امکان این نیست که فوراً يك مدرسه حرفهای بجای آن تأسیس بشود (بانو جهانبانی - کدام دبیرستان بسته شده؟) جلوی توسعه‌اش گرفته شده (بانو جهانبانی - من نشنیده‌ام نه بسته شده نه جلوی توسعه‌اش گرفته شده) سرکار خانم متأسفم که عرض کنم در قانونی که چند روز پیش همین مجلس محترم تصویب کرد (پزشکیور - مانع تصویب نکردیم اکثریت تصویب کرد) يك بند خاصی را تصویب کرد که

این بند جلو گیر آن خواهد بود که در آینده بتوانیم دبیرستانهایی داشته باشیم در همین جانشین بکر در بدیع مجلس و اکثریت شما تصویب کرد آنچنان شرایط خاص و راهی برای تأسیس دبیرستان جدید قائل شدند که تنها معنی و مفهوم آن جلوگیری از توسعه آنهاست این مطلب در هیچ قانونی گفته نشده است و قنیه قانون میگوید باید دبیرستان باشد در آن نهفته است که باید دبیرستان معلم خوب هم داشته باشد باید دبیرستان وسائل خوب داشته باشد و باید شاگردانی که در دبیرستان درس میخوانند و اجداً آن شرایط باشند این در قانونی ما بود ولی در قانونی که تصویب اکثریت شما رسید این شرط گذاشتند که باید دبیرستان دارای چنین و چنان شرایط باشد و شاگردانش حتی دارای چنین و چنان شرایط باشند و این اقدامی بود که گوشه‌ای از آن شایعه نسبت به مسائل دبیرستانها را عریان میکرد و همین سیاست هست که در اینجا اگر اجازه بفرمائید باید مورد توجه قرار بگیرد مدارس حرفهای را عرض میگردم حالا بعضی اینکه يك دبیرستان تعطیل نشود امکان آن نیست که فوراً يك مدرسه حرفهای بجای آن تأسیس بشود نکته‌ای را که میخواستم عرض کنم این نبود علت اینکه شما باین ارقام و باین گزارش توجه میکنید می‌باید با اینکه لازم است سال پیش در همین مجلس گزارش ارجاع به لزوم توسعه مدارس حرفهای تذکر داده شده و اگر خانمها و آقایان متن مذاکرات ۴۰ سال پیش مجلس را که بعضی شبها نیز در روزنامه منعکس میشود ملاحظه بکنید در آنجا مشاهده میفرمائید که تذکرات گفته شده است که لازم است مدرسه حرفهای داشته باشیم ولی با وجود این در طول این مدت ۴۰ سال مدارس حرفهای ما رشد ناچیزی داشته توسعه پیدا کرده است اما رشد ناچیزی داشته من وقت شما را راجع بارجاع که مراجعه کنم نمیگیرم خود شما بخصوص آنها که در آموزش و پرورش هستند بهتر میدانند که همینطور هست ولی دبیرستانها نسبت آن مدارس حرفهای ما رشد فوق العاده‌ای داشته است بطوریکه در همین گزارش منعکس است که سال آینده از مدارس متوسطه ۴۵ هزار نفر فارغ التحصیل

خواهند شد علت اینکه در این مدت ما نتوانستیم مطابق آرزوهای خودمان مدارس حرفهای را توسعه ورشد بدهیم این بوده است که نخواستیم آموزش را صرفاً در قالب آموزش مورد توجه قرار دهیم زبان نکته در حقیقت غنایت نداشته‌ایم که باید يك چیزی هم در اجتماع وضع عوض بشود تا ایجاب بکند که نحوه آموزش هم تغییر بکند و عوض بشود چون آموزش بطور مطلق در چهارچوب کلاس و مدرسه مسائلش مورد توجه قرار گرفته است باین دلیل است که با اینکه ۴ سال است خواستیم مدارس حرفهای داشته باشیم نتوانستیم آن اندازه که باید داشته باشیم و با اینکه ۴۰ سال است که لجاجت میکنیم که مدارس غیر حرفهای و معمولی نداشته باشیم باز روز بروز آمار دبیرستانهای معمولی رو با افزایش است چیزی را که باید به آن توجه کرد همین است باید منظومه‌ای را عوض کرد اگر میخواهید يك سیستم آموزشی بسازیم آموزشی معقولتر و متعادلتری تبدیل شود باید يك منظومه‌ای را تجدید بکنید و تجدید سازمان بکنید مدارس حرفهای در شهرستانها بوده که اطفالی با کراهت با آن رفته و درس خوانده‌اند الان را نمیگویم چند سال پیش و بعد هم از این مدرسه حرفهای تصدیق گرفتند دیده‌اند که تصدیق بیخودی گرفته‌اند و نتوانسته‌اند متناسب با آن گواهی و تخصصی که داشته‌اند یا مهارتیکه داشته‌اند کار پیدا کنند تا گزیر بارشته‌شان را عوض و ترك تحصیل کرده‌اند و قسمتهای دیگر رفته‌اند با اصطلاح خودشان بعد از چند سال سرگردانی رفته‌اند تحصیلاتشان را تکمیل کرده‌اند و آمده‌اند درسیستم آموزش عمومی درس خودشان را خوانده‌اند و نا آنجا که استمداد امکان داشته اند راه خودشان را پیدا کرده‌اند پس آنچه را که من میخواهم عرض بکنم این است که آموزش در کشور ما اگر بخواهد که بدنیال سیستمهای اجتماعی برود ترکیب مدارسش همین است که میبینید همین نواقص اصولی و اساسی که داشتیم درسیستم آموزشی ما وجود دارد و موجودیت خودش را حفظ میکند پس آموزش مینابست يك قسمت بعنوان خط هدایت و محور هدایت فعالیت بحرکت درآید یعنی نه تنها باید تعلیمات حرفهای را ایجاد کرد بلکه باید برای تعلیمات حرفهای کار

ایجاد کرد و متناسب کار تعلیمات حرفه‌ای ایجاد کرد و شاید یک نظر به انقلاب نایدرسید و آن اینست که واحد آموزشی و کار را باید یکجا ایجاد کرد یعنی آموزش مانده تنها از بدو در حد آموزشی باقی ماند بلکه باید به یک وظیفه انقلابی اقدام کند یعنی کار ایجاد کند به همین دلیل است که شما در کنار کارهای کاری که در این کشور ایجاد شده است انواع و اقسام مدارس واقعی حرفه‌ای را میبینید شما در کنار صنعت ذوب آهن مدرسه واقعی حرفه‌ای را میبینید آن مدرسه واقعی حرفه‌ای است شما در کنار کارخانه ماشین‌سازی تبریز که مشغول کار است مدرسه حرفه‌ایش را هم میبینید آن مدرسه دانشجویان را از دست نخواهد داد تکنیسین خود را از دست نخواهد داد برای اینکه در کنار کانون کار تشکیل شده است و در همین واحدهای ارتش مگر فیمتهای آموزشی نیست؟ آموزش موبک هست. آموزش فیمتهای مختلف و شقوق مختلف هست چرا یکی از اینها نمی‌آید حق لسانس بخواد؟ برای اینکه در کنار کانون کارش تشکیل شده و پیوسته بکانون کار هستند مدرسه که تمام شد را بخودشان را در کانون کارشان دنبال میکنند عرض ما اینست انقلاب آموزشی را واقعاً بنیاید تجزیه و تحلیل بکنیم به بنیم معنیست چیست؟ انقلاب آموزشی به اعتقاد ما یعنی انتقال به آموزش ملی، آموزش ملی یعنی تطابق مدرسه و محیط کار آمیختگی این دو سیستم حالا با بد سیستم برنامه‌ریزی شما اینقدر دقیق و منظم باشد تا کسی که از مدرسه شما فارغ التحصیل بشود در همان رشته از وجودش استفاده بشود با واقعاً در کنار کانون‌های کارتان مدرسه ایجاد کنید با بالاخره با آن نکته ایکه میخواهید برسید برسیم اگر بخواهید مدرسه حرفه‌ای ایجاد بکنید صرف دنبال این نباشید که یک مدرسه با استادکار و وسائل و سر مایه را بفرستید در یک شهری که هنوز بسطح رشد فنی و استفاده از فارغ التحصیلان شما نرسیده مدرسه‌تان را برید یا نجا بود حداث را بریزید و باطل بکنید شما باید مدرسه‌تان را جایی ایجاد بکنید که قبلاً کارش ایجاد شده با اگر بیک زمینه بگری میخواهید بروید باید با کانون‌های کاری و با هم باین محل بروید و آموزش و کار با هم پیاده بشود این توفیق

آن قسمت از تعلیمات حرفه‌ای که فارغ التحصیلان بشود در این مملکت خورده‌اند در آنستکه کنار کارهای کاری بوجود آمده است آموزش پرستاری باطل نشده آموزش بهیاری باطل نشده چرا؟ برای اینکه اینها در کنار مریضخانه‌ها بوجود می‌آیند و در همان مریضخانه‌ها خدمت میکنند البته ممکن است بمقداری بعلمت اینکه زن هستند و بعلمت اجتماعی که اصولاً تعلیمات زنان در دنیا و در کشور ما یک مقدار کم نمیشود گفت باطل میشود و لسی یک عده از آن کسانی را که برای تخصصهای کارشان تربیت کرده‌اند از میدان کار و عمل خارج میشوند، بعلمت اجتماعی ولی ایتم جبران دارد خوشبختانه شقوق حرفه‌ای خودش زاینده است مخصوصاً شقوق حرفه‌ای که با کار خانها ارتباط دارد یعنی دوره تعلیمات پرستاری با دوره تعلیمات بهیاری این خودش یک خدمت مولدی است در همین دوره دستگاههایی که سرمایه گذاری میکنند باین شاگردان نه تنها آموزش میدهند بلکه از خدمات آنها استفاده هم میکنند و آن اینرا یک مقدار سوخت و سوزی که میشود بدین ترتیب جبران میکند بهر حال تعلیمات حرفه‌ای در نقاطی که سطح رشد تکنیکی در آن محل بدرجای نرسیده که بتواند فوراً جاذب کار باشد باطل و بی ثمر است و آن مقدار از تعلیمات حرفه‌ای که رنج ناکامی را کشیده‌اند، فارغ التحصیلان خودشان را از دست داده‌اند ناشی از این بوده که آموزش را فقط در چهار چوب کلاس و مدرسه مورد بررسی قرار داده‌اند (خانم جهانبانی - یک موردش را بفرمائید) بسیاری از فارغ التحصیلان دوره متوسطه کشاورزی یا قسمت اعظم آنها روی زمین کار نمیکنند چرا؟ بدلیل اینکه مدرسه کشاورزی چیزی برای خودش میگوید و کشاورزی که واقعاً جان میکند یک روشی برای خودش دارد و آن کشاورزی که در مدارس شما درس خوانده بود هیچ جایی برای کار خودش نمیبیند، همین دلیل اکثریت اینها پشت میز ادارات نشسته‌اند، تفسیر رشته داده‌اند، تعلیمات خود شانرا عوض کرده‌اند خیلی از مدارس حرفه‌ای شما اگر در سطح شهرستانها توجه کنیم من مدارکی داریم که بعداً شما خواهیم گفت شاگردان گفته‌اند که ما در یک

چنین مدارسی که میرویم احساس سرشکستگی میکنیم برای اینکه شاگردان مدارس عمومی میگویند بعد بالاخره نوبت چلنگر با یک آهنگر بیکار خواهیم شد که توی این شهر خودمان هم برای تو کاری نیست، البته مال زمان خود مان بود، البته تغییر کرده، تحولاتی در سطح نگره لوژی کشور پیدا شده این سر نوشت تغییر کرده منتهای ما سخت از توسعه میکنیم میگوئیم اگر ما امروز صد نفر متخصص طراز بالا داریم که در سطح تحصیلات عالی هستند و پایای این صد نفر باید هفتصد نفر در سطح متوسط داشته باشیم، کسانی که از انواع و اقسام مدارس حرفه‌ای خارج میشوند ما از یک طرف داریم که مدارس حرفه‌ای خود را توسعه بدهیم و این توسعه اگر فقط در چهار چوب مدرسه انجام بگیرد کار خاصی خواهد بود باید پایای این توسعه کارهای کاری و ندر لوژی ما توسعه پیدا کند بطوریکه بتواند کسانی را که از این مدارس حرفه‌ای فارغ التحصیل میشوند در شبکه‌های خودش بپذیرد این آن مطلبی است که من میخواهم عرض کنم در مورد دیپلمه‌ها بیجهت ما چوب برداشته‌ایم و میگوئیم که این دیپلمه‌ها بیسواد هستند یا میگوئیم زائد هستند من میخواهم عرض کنم چنین مطالبی صحیح نیست (خانم جهانبانی - چه کسی میگوید بیسواد هستند؟) کسانی میگویند بیسواد هستند که عقیده دارند که تا معلم واحد صلاحیت و شاگردان واحد صلاحیت وجود نداشته باشد از باز کردن مدرسه باید خودداری شود اگر آنها معتقد نبودند که گروه فعلی یک نقصی در تعلیمات آنها هست هرگز نمی‌رفتند چنین نکته‌ای عجیب و غریب را که برخلاف همه اصول قانونگذاری ریاست در متن یک لایحه‌ای بگنجانند لابد میگویند که چنین چیزی نیست این قانون را متأسفانه اکثریت شما تصویب کرده ولی ما به آن رای مخالف داریم آنچه را که من میخواهم عرض کنم اینست که با ترقیاتی که برای کشور خودمان در نظر داریم اگر ما پیش‌بینی کرده‌ایم البته در گزارش‌های بودجه شما هست که سال آینده ما ۴۵ هزار نفر فارغ التحصیل دبیرستان خواهیم داشت که هم اکنون در تاروپو اجتماع عدای بسیار دیپلمه هستند که اینها با کار ندارند با کار

دلخواهشان را توانسته‌اند دست آورند دلایل هم خیلی روشن است شما الان اعلانی مینویسید که چند نفر دیپلمه میخواهید فردا میبینید دهها نفر اسم مینویسند این دلیل آن است که با کار ندارند یا کاری که دارند مورد رضایت آنها نیست پس ۴۵ هزار دیپلمه در سال آینده خواهیم داشت افلا ۱۵ هزار دیپلمه هم از سال‌های گذشته داریم که جمع اینها میشود ۶۰ هزار دیپلمه در اینکه ما ۶۰ هزار دیپلمه داریم هیچ عیبی نیست و میخواهم عرض کنم که کم هم هست در اینکه اینها را نمیتوانید در کارهایی که باید جذب بکنید یا به آموزش‌های لازمی که ببینند بفرستید در اینجا سخن هست تا با سامانی سیستم آموزشی در اینجا نیست اینرا عرض بگویم در چهار چوب وزارت آموزش و پرورش آقای بطحائی ناراحت میشوند و مرتباً یادداشت میکنید این مربوط بکار شما نیست من البته امیدوارم که شما هم تشریف بیاورید توضیحات بدهید و ما را روشن بکنید این توضیحات در چهار چوب وزارت آموزش و پرورش نیست، وزارت آموزش و پرورش ۴۵ هزار دیپلمه تهیه میکنند مدام تلقین میکردند که کمتر تربیت بکن، این غلط بود آن سیاستی که میخواهست جلوی دبیرستانها را بگیرد غلط بود آن سیاستی غلط است که نمیتواند ۴۵ هزار یا ۶۰ هزار دیپلمه را جذب بکند آنجای سیاست غلط است چوب بر ندادید جلوی دبیرستان را بگیرد، فارغ التحصیل دبیرستان را بی سواد خوانید، چیزی که شما باید بگوئید عیب کار است و نقص کار است اینست که نمیتوانید اینها را جذب کنید، نمیتوانید اینها را در شبکه‌های کار و تعلیمات بالاتر بپذیرید، ظرفیت دانشگاههاشان کافی نیست، تعلیمات فوق دیپلماتان تکلیفش معلوم نیست کدام دستگاه مسئول است؟ دیپلمه که تحصیل عمومی کرده نباید تحصیل تخصصی را انجام بدهد؟ یا در صد ششماه و یکسال و دو سال و دو سال و نیم دوره تخصصی افلا برابر ظرفیت کل دانشگاه تکنیسین و فوق دیپلم تهیه میکنند چون اینرا شاه‌نشا فرمودند که اگر بگوئیم تعداد افراد تکنیسین ما نسبت به افراد فارغ التحصیل ما نسبت هفت به یک را داشته باشد تازه نسبت محافظه کارانه‌ای را دنبال کرده‌ایم واقعیت هم اینست و شاید بیشتر هم باشد

کجاست آن مدارس شما که باید هفت برابر ظرفیت
دانشگاهها را از دیماه... جذب کنند عیب آموزش شما در
اینست در این طیفه خلاء است تا ما میگوئیم دبیرستان
یک عددی خیر میکنند میخواستیم بگوئیم که فلان
دبیرستان خوبست و فلان دبیرستان بد دبیرستان لازم
است دبیرستان کم هم داریم شما اگر آن شبکههایی را که
موجب خلایق در این کشور خواهد شد و دبیرخانهها را جذب
نمایند در سطح تکمیلی و بطرف کانونهای کار و تولید
میکشاند و حساسترین و وظیفه صنعتی و خدمتی را با آنها
میسپارد آنها را اگر ایجاد نکنید این تعداد فارغ التحصیل
جذب دستگاه خواهد شد کم هم خواهید آورد آنوقت
میروید سیاست گذارش دبیرستانها را پیش میکشید
آنوقت دبیرستانها را در تهران تمرکز نمیدید آنوقت
دبیرستانها را یولی نمیکند آنوقت تعلیمات تبعیض آمیز
خصوصی و دولتی را ایجاد نمیکند این بود مسئله ای که
عرض میکنم دیپلمه زیاد نداریم کار برای دیپلمه کم
داریم آموزش برای دیپلم کم داریم سازمان و ارگانهای
که اینها را جذب کند کم داریم حالا چطور شده که اینها
نیسواد شده اند، بیسواد را دلیلش را عرض میکنم شما
۶۰ هزار دیپلمه را میآورید برای اینکه ۵ هزار نفر از آنها
را انتخاب کنید مجبورید شب بنشینید دائره المعارف
بگذارید جلو بنان يك لغتی را که بگوش هیچکس نخورده است
از آن دیپلمه بپرسید آنوقت میگوئید بیسواد وقتی که از
۶۰ هزار نفر شما میخواهید ۵ هزار نفر آنها را انتخاب کنید
با کز بر باید در حدود ۹ درصد ۹۰ درصد آنها بیسواد باشند
و بیسواد آنها را در تکنیکهای کنکورتان پیدا کنید در
روشهای خودتان پیدا کنید شاید لازم نباشد آن چیزی را بداند
که شاید هم بادش نداده اند و در کنکور از او میپرسید
طبیعی ترین چیز این است که درسی که میدهند
همان درس را از او بپرسند همان مطلب را بپرسند اینها
که هنوز بدرجه اجتهاد نرسیده اند که شما بگوئید ف
آنها مقصودتان را پیدا کنند که منظور فرجه از است
آنها که در سیستمهای جدید آموزشی شما درس نخوانده اند
اینها آدمهایی هستند که يك چیزی یادشان داده اند و
از شان امتحان کرده اند لابد يك چیزی یادشان نداده اند

که وقتی از آنها امتحان میکنید بلد نیستند چون شما
باید يك جور امتحان بکنید که ۸۰ درصد آنها رد بشوند
برای اینکه دانشگاهها بتوانند جا ندارند شما وقتی قرار
بر این است که ۹۰ درصد را رد بکنید لابد ۹۰ درصد از
چیزهایی را که میپرسید بلد نباشند که میگوئید است که
همه چیز را میدانند شما يك دائره المعارف بمن بدهید از
هر شری که میخواهید يك کنکور بکنم که ۹۰
درصدش را بلد نباشد کسی تضمین بکرده که تمام معارف
بشری را در مغز خودش جا بدهد که چیست میخواند دنیا بدر
کرده ۲ پایه ۶ استخدام شود آن مقداری که بادش داده اند
آن مقداری که در جریان کار با آن تماس داشته و در جریان تماس
مستمر بوده بادش هست شما هم يك چیزهایی خوانده اید مقداری
از آن را یادتان رفته است و مقداری از آن را که با کز
دروازه نان در تماس است یادتان است این يك چیز طبیعی
است پس این مسئله بیسواد این تبلیغات ضد دیپلم این
تبلیغات ضد دبیرستان اینها را بگذارید کنار بروید
دنبال کار و فکر اساسی باشید کشور ما رو به ترقی است
دیپلم با ۱۲ سال تحصیل حد اقل تحصیلات لازم و
امروز است (صحیح است) ۱۲ سال تحصیل دیگر
چیزی نیست شما امروز در بسیاری از دستگاهها بنان
ماشینها و وسائل ایست و کسانی با اینها کار میکنند و
حد اقل فهمی که اینها باید داشته باشند و بروند آموزش
ببینند تا با آن ماشینها بتوانند کار بکنند ۲۲ سال است
این وسائل در دنیای آینده توسعه پیدا میکنند فردا شاید
هر سلمانی و خمایی یکی از این وسائل را داشته باشد هر
ناوایی یکی از این وسائل را داشته باشد شما بطرف دنیای
عجیب و غریبی دارید پیش میروید بعد آنوقت یا بنان
را گذاشته اید جلو که دیپلم نمیخواهیم پس است
چه خبر است؟ چرا دیپلم نمیخواهیم؟ دنیای
آینده به چه جور آدمهایی احتیاج دارند نمیگویم ما
دیپلم میخواهیم شما بالاخره يك جور آدمی میخواهید
برای زندگی فردا شما بروید انقلاب آموزش بکنید
آنچه را که بشر فردا لازم دارد يك روزه بهش یاد بدهید
مگر ما جلوی آنرا گرفته ایم شما يك کیسول ندهید تا
همه چیز را یاد بگیرند این اشکالی ندارد ولی بالاخره فردا يك

صردیاتی دارد يك نوع از آدمها را با يك نوع از تحصیل
میخواهید بر نامه شمار برای فردا چیست؟ گروه بدی شما
برای فردا چیست؟ چقدر زبرد دیپلم، چقدر بالای دیپلم،
چقدر در سطح دانشگاه اینها را چناندازه چه میزان لازم
دارد (آفرین) ما نمیگوئیم حتما بروید دیپلمه تربیت
نکنید نه اگر احتیاجات فردای این مملکت باشک کلاس
تحصیل فراهم میشود بروید دنبال شش کلاسی مختوم به
شغل بروید دنبال ۱۰ کلاسی مختوم به شغل شما تأمین
نیازمندی کشور را نکرده اید حساب کارتان را نکرده اید
اساس شایعات یکجا میگوئید آنها بیسوادند ایفاقت ندارد
که تحصیلات عالی بکنند این چیست و چه کسی گفت که
اگر کسی ایفاقت ندارد در مدارس خودتان بپذیرد، شما
بپذیرید یعنی دقیق ترین امتحانات را بکنید، در تمام سالها
دقیق امتحان بکنید، در امتحانات نهائی دقیق امتحان بکنید
در یکسال در سطح کشور امتحان نهائی میکنید و دیپلم
بدست اشخاص میدیدد دوروز بعدش کنکور دانشگاه
میکند این نظر من مسخره تر بن کاری است که میکنید
اگر امتحان نهائیتان معتبر است کنکورتان چیست؟
اگر کنکورتان معتبر است چرا بجهت را خسته میکنید
همه شان که میآیند امتحان میدهند آن عده ای را که دانشگاه
شما میخواهد بپذیرد، آن عده ای را که نمره ۱۰ گرفت
۲۰ گرفت ۳۰ گرفت بروی کار حربه این امتحانات
حساب نیست؟ صرفه جوئی از دینار دینار پیدا میشود اینها
دوباره کلاسی است بکار خرداد امتحان نهائی میکنید بکار
در مرداد ماه کنکور دانشگاه میکنید، اینها روش های
صحیحی نیست و بعد بالاتر لزمه نیازمندی کشور را کسی
نمیداند چیست ما میگوئیم باید آموزش ملی داشته باشیم
بعضیها وقتی ما میگوئیم ملی خیال میکنند مقصود ما اینست
که فقط اینها باید تاریخ بخوانند و فقط باید اشعار رزمی و
زمینی بلد باشند، نه، آموزش ملی یعنی آموزش برای
يك ملت بر حسب نیازمندیهای امروز و فردای
آن ملت (آفرین) این میشود آموزش ملی
ملی نوی این تعریف اول نیازمندی است، تا نیازمندی
لازم نباشد نمیشود گفت آموزش ملی چیست شما پیگوئید
در این مملکت چقدر طبیب لازم دارید و چگونه طبیبی
لازم دارید ماهنوز خیال میکنیم که طبیب عبارت است از

يك سلسله برنامه کایشه شده و خیال میکنیم این برنامه را
بچ دست به هر کیش نمیشود زد شما بگوئید چقدر طبیب
چطور طبیبی در این مملکت لازم دارید آنوقت برنامه
آموزشی اش معلوم میشود، آنوقت طول سالهای آموزشی آن
معلوم میشود، آنوقت گسترش جغرافیائی معلوم میشود،
دانشگاهها معلوم میشود، آنوقت مراکز آموزشی و
بیمارستانهایش تعیین میشود شما الآن برنامه ای را به
مجلس دادید بعنوان بیمه کشاورزان وقتی این برنامه
بیمه کشاورزی بخواهد بموقع اجرا در بیاید شما لازم
دارید که در سطح هر روستا يك کانون درمانی داشته باشید
آیا این برنامه اجتماعی که شما باید برای تمام روستاهای
کشور طبیب و کادر درمانی تهیه بکنید این نمیتواند يك
خط هدایت کننده ای باشد که اینطور نشان بدهد که
دانشگاههای شما چطور باشد شما این محور را راهنمای
خودتان قرار میدید که مرتب میروید با مراکز علمی خارجی
قرارداد میکنند و برنامه های شان را با هم دیگر تطبیق
میکند ما میدانیم نتیجه تطبیق این مراکز ایرانی
خارجی چه شده است نتیجه اش این شده است که برای
فرار مغزها همان چیزی که دولت شماروی آن تبلیغ میکنند
و مدعی است که میخواهد اجرا نکند، چیز سهل و
ساده ای درست شده آن کسانی که در آن مراکز که
پیوند دارند و در مراکز علمی خارج تحصیل کرده اند
خیلی جهولت کشور را ترك میکنند، آنجا در بخش
خودشان یا آنها گواهینامه میدهند که اینها میتوانند
بروند در یکی از بیمارستانهایی که احتیاج دارند مشغول
کار و تحصیل شوند اگر سیاست ما اینست که فرار را
تشویق کنیم بسیار خوبست نوی مدرسه های عالی اول
فارسی صحبت نکنند تمام برنامه ها از زبان کشوری که بعد
میخواهند به آنجا فرار بکنند تنظیم کنند که اینها بعضی
از دانشکده ها این کار را کردند (دکتر بهائی) ممکن
است بفرمائید کدام دانشکده؟ من کوردستانها را
میگویم شما میتوانی قیاس بفرمائید از کسی اسم نمیبرم
من میخواهم سیاست کلی را بحث کنم اگر من بگویم فلان
دانشکده چون من فارغ التحصیل دانشگاه تهران هستم
کج کج بمن نگاه میکنند که من دانشکده تهران برای

خودم نزدیکتر میدانم، برای ما این مدرسه و آن مدرسه این دانشکده و آن دانشکده فرق ندارد یعنی از چیزهایی را که ما همیشه از آن اجتناب کرده ایم نیست که در امور کشور طوری صحبت بکنیم که بین يك گروه با گروه دیگر تفرقه ایجاد نشود ما به چه وجه نمیخواهیم بگوئیم آنکه در خارج تحصیل میکند بهتر است یا بدتر است هر که خوب تحصیل کند خوب است، چه در داخل تحصیل کند چه در خارج، هر کسی هم که بد تحصیل کرده باشد که خیلی هم کم است آن بد است ولی آن چیزی را که نمیتوانیم خوب و بد آنرا تشخیص بدهیم اینست که از میزان نیازمندیهای کشور و نوع خاص نیازمندی کشور بپسیریم این آن چیزی است که ما را غافل میکند ملاک خوب و بد در دست ما نیست اگر شفا میگفتید طبیب خوب آن کسی است که در سطح روستا خوب کار کند، خوب عمل بکند يك میزان از جراحیها را انجام بدهد، يك میزان از کارهای داخلی را بکند، يك مقدار کارهای زایمان زنان را انجام بدهد، طبیب خوب تعریفش اینست. اگر ما ملاک تشخیص پیدا میکنیم، معلوم میشود کی خوب است یا داخل درس خوانده یا نه کلاس خوب و بد در تحصیلات معنی ندارد، خوب و بد تحصیلات در عرصه عمل معلوم میشود. يك مهندس راه و ساختمان خوب کیست؟ آنکس که

است که يك پل لنگر بهش داتوبد، بتواند سازد حالا در داخل درس خوانده باشد یا در خارج يك طبیب خوب کیست؟ آنکسی است که بتواند در سطح کشور با امکانات و سازمانهایی که هست هماهنگی داشته باشد جوشش داشته باشد بتواند خدمتش را ادامه بدهد ولی يك اطاق را بزرگند دوزش را انواع و اقسام گواهینامه بچسباند اما اگر مرا يك روزی بردند نوی این زاغه های جنوب شهر و بمن حالت اشمناز دست بدهد و غش کنم حالم بهم بخورد بیفتم بگویم طبیب خوبی هستم ولی کارم بدر این مملکت نميخورد و حال اینکه بروم در روستا خدمت بکنم ندارم.

تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای دکتر عاملی نیانات جنابعالی طولانی است؟
 دکتر عاملی - اگر اجازه بفرمائید هنوز باقی است.
 رئیس - جنابعالی دنباله مطالبتان را بعد از ظهر بفرمائید. با اجازه خانمها و آقایان جلسه امروز را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت چهار بعد از ظهر امروز خواهد بود.
 (یکساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی